

بررسی و تبیین بشارت و شهادت مسیح صلی الله علیه و آله به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در انجیل یوحنا

اسماعیل همتی^۱

چکیده

قرآن مجید از زبان عیسی مسیح می‌فرماید که به بنی اسرائیل وعده آمدن پیامبری به نام احمد را داده است (الصف/۶) در این تحقیق در صدد بررسی دو عبارت از انجیل یوحنا هستیم که می‌تواند مصداق این تعبیر قرآنی قلمداد شود. حضرت مسیح از آمدن فردی بعد از خود به نام پاراکلیتوس (παράκλητος) خبر می‌دهد این عبارت دلالت بر پیامبر اسلام دارد که با استناد به خود کتاب مقدس قابل اثبات است. هم چنین عیسی مسیح به حواریون و نیز در داستان دادگاه اورشلیم، بشارت به آمدن احمد را داد. انجیل یوحنا آن شخص را نئوما تیس آلیتیاس (Πνεῦμα τῆς ἀληθείας) نوشته است. برگردان این واژه به عبری معادل نام آسمانی پیامبر اسلام (eh'-meth) صلی الله علیه و آله یعنی احمد صلی الله علیه و آله است. مکاشفه یوحنا نیز با دو اسم امین و احمد از ایشان پیشگویی کرده است.

کلید واژگان: بشارت به پیامبر اسلام، احمد، پاراکلیتوس، نئوما تیس آلیتیاس، روح راستی

۱. اسماعیل همتی پژوهشگر حوزه ادیان، مسیحیت

مقدمه

خداوند در آیه ششم سوره الصف می فرماید:

اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ
وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي مُبِينٌ

و [یاد کن] هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! به یقین من فرستاده خدا به سوی شمایم، تورات را که پیش از من بوده، تصدیق می کنم، و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش «احمد» است، مژده می دهم. پس هنگامی که دلایل روشن برای آنان آورد، گفتند: این جادویی است آشکار!!

مسیحیان همواره می پرسند مسیح در کدامین انجیل به آمدن احمد بشارت داده است؟ در این تحقیق نشان داده خواهد شد که حضرت مسیح علیه السلام از آمدن فردی بعد از خود به نام احمد خبر می دهد. برای درک بهتر دلایل مورد استناد در این مقاله باید چند نکته به طور خلاصه در مورد زبان یهودیان و مشکلات مربوط به ترجمه زبان عبری به سایر زبان ها بیان شود.

زبان مذهبی یهودیان

گرچه آرامی زبان گویش و محاوره حضرت مسیح علیه السلام بود، اما زبان ربی و مذهبی یهودیان آن زمان عبری بوده است و حضرت مسیح علیه السلام نیز به هنگام تعلیم و سخنرانی از زبان عبری استفاده می کردند که زبان تورات نیز

می‌باشد.^۱ حتی اگر فرض شود که ایشان در همه حال به زبان آرامی سخن می‌گفتند، به خاطر مشابهت بسیار زیاد این دو، تفاوتی در تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های ما ایجاد نمی‌کند. عبری و آرامی زبان‌های خواهری هستند و به همراه عربی معروف به زبان‌های سامی می‌باشند و ریشه‌ی مشترکی دارند. تشابه بسیاری بین این زبان‌ها، به ویژه عبری و آرامی وجود دارد به طوری که بیشتر مردم تفاوت بین آنها را نمی‌توانند به راحتی تشخیص دهند. بیشترین فرق این زبان‌ها در الفبای مورد استفاده برای نگارش است.

زمانی که حضرت مسیح علیه‌السلام کلام خدا را به مردم متذکر می‌شدند، مثلاً هنگام قرائت آیات تورات، از زبان عبری استفاده می‌کردند. کشیش جان وینگارد می‌نویسد:

مشابهت این دو زبان آنقدر زیاد است که مورخ نامی فلاویوس یوسفوس تفاوتی بین آنها قائل نشد، به طوری که او می‌نویسد که کتاب «جنگ‌های یهود» را به زبان مادری خود نوشت،^۲ و بعد به کرات عبری را زبان مادری خود می‌خواند اما تجزیه و تحلیل این اثر نشان می‌دهد که متن اصلی آن به آرامی نوشته شده بود. (تصویر پایین)^۳

۱. کشفیات دریای مرده به خوبی نشان داد که در دو سده قبل از میلاد تا دهه‌های پایانی سده اول میلادی بیشتر نوشته‌های یهودیان به زبان عبری بوده است. بخشی از این اسناد نیز به زبان آرامی اما بخش ناچیزی

به زبان یونانی بوده. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: <https://www.deadseascrolls.org.il/home>

2. J.M.GRINTZ, 'Hebrew as the spoken and written language in the last days of the second Temple', Journal of Biblical Literature 179 (1960), page 81 note 2 (Quoted in "My Galilee, My People", by John Wijngaards, Houssetop, 1990 under 4. Hebrew and Aramaic / Jesus' own language (<https://www.johnwijngaards.com/publications/galilee/galilee4.shtml>, Retrieved February 19, 2020)

3. My Galilee, My People", by John Wijngaards, Houssetop, 1990 under 4. Hebrew and Aramaic / Jesus' own language

Flavius Josephus tells us that he wrote the original version of his *Jewish Wars* in his 'native tongue' and he repeatedly calls his native tongue 'Hebrew'. (29) But an internal analysis of the work proves the original was written in Aramaic. He tells us the book was written for Parthians,

این مسئله به خوبی نشان می دهد که حتی بزرگان علم و ادب یهود در سده های آغازین میلادی دو زبان عبری و آرامی را یکی می دانستند و تفاوتی بین آنها قائل نبودند. از آن جا که منابع عبری تناخ بسیار زیادتر و متنوع تر از منابع آرامی هستند؛ به عنوان نمونه فقط ۱۰ تا ۱۳ درصد طومارهای دریای مرده به آرامی نوشته شده است و بیشتر آنها به عبری می باشند.^۱ بر این اساس ما در بررسی های خود از منابع عبری استفاده خواهیم کرد تا صحیح ترین نتیجه گیری ممکن را انجام دهیم.

زبان اناجیل اصلی

قدیمی ترین نسخه های موجود از اناجیل اربعه (چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا) به زبان یونانی هستند؛ اما هیچ کدام از این نسخه ها اصلی نمی باشند بلکه کپی های متعددی هستند که مدت ها بعد از حضرت مسیح صلی الله علیه و آله نوشته و نسخه برداری شده اند. هیچ سند قطعی وجود ندارد که همه این اناجیل به گونه اولیه به زبان یونانی نوشته شده باشند. برعکس دلایلی وجود دارد که نگارش برخی از آنها به زبان عبری را ثابت می کند؛ مانند نوشته های برخی پدران اولیه مسیحی، از جمله یوسیبوس پامفیلی که نشان

1. Aramaic Literature in the Dead Sea Scrolls, by Dr. Andrew B. Perrin, Assistant Professor, Trinity Western University, article posted on: <https://www.bibleodyssey.org/en/places/related-articles/aramaic-literature-in-the-dead-sea-scrolls>, (Retrieved February 19, 2020)

می دهد انجیل متی به زبان عبری نوشته شده بود؛^۱ و از آن مهم تر این که مسیح نه به زبان یونانی بلکه به زبان عبری - آرامی تعلیم می دادند.

مشکل انتقال مفهوم به هنگام ترجمه

حتی اگر اناجیل اصلی به زبان یونانی سخنان مسیح را منعکس کرده باشند، این فقط دال بر ترجمه سخنان آن حضرت است نه انعکاس کامل و بی عیب و نقص آن. تغییر مفاهیم در فرایند ترجمه یک امر کاملاً طبیعی است به ویژه اگر ترجمه به زبان مردمی صورت گیرد که فرهنگ و باورهای آنها بسیار متفاوت است. این دقیقاً در مورد یونانیان و یهودیان مصداق دارد. حال اگر فاکتور پیشگویی از آینده را نیز که مستلزم استفاده از واژه های منحصر به فرد است به مسئله اضافه کنیم، احتمال همسویی ترجمه با متن اصلی کمتر نیز خواهد شد. و بدتر از آن زمانی است که مترجم دنبال معنای دلخواه خود از متن است؛ در اینجا مترجم ممکن است حتی آنچه که می داند متن اصلی گفته است را انکار کند و چیزی را بنویسد که فکر می کند بهتر است.

۱. یوسیبوس پامفیلی و پاپیاس (شاگرد یوحنا حواری) معتقدند که متی انجیل خود را به آرامی / عبری نوشت. مراجعه کنید به:

The Fathers of the Church, Eusebius Pamphili, Ecclesiastical History, Books 1-5, translated by Roy J. Deferrari, The Catholic University Of America Press, Washington, DC, pages 174, 175

و نیز

Explanation of the Sayings of the Lord [cited by Eusebius in History of the Church 3:39]

به خاطر در دسترس نبودن متون اصلی، به یقین نمی توان گفت علت این ناهماهنگی ها و نابسامانی های موجود در متون امروزی چیست؛ آنچه مسلم است تفاوت های فراوان موجود بین نسخه های دست نوشت قدیمی است که احتمال تحریف و تغییر متن را در گذر زمان مطرح می کند. از میان هزاران مورد، چند نمونه از تفاوت بین متن ماسوری و طومارهای دریای مرده و نیز سپتواجنت^۱ را در صفحه مقابل مشاهده می کنید^۲

۱. طومارهای دریای مرده و ترجمه سپتواجنت عهد عتیق حدود هزار سال از کتاب مقدس ماسوری قدیمی تر هستند. تغییرات موجود در کتاب مقدس ماسوری که عهد عتیق امروزی نیز از روی آن ترجمه شده است، تفاوت های چشمگیری با طومارها و سپتواجنت دارد. این مسئله نشان می دهد که ماسوری ها که کار نسخه برداری و اصلاح متون عبری را انجام دادند تغییرات زیادی را بر متون اعمال کردند. برخی از دانشمندان کتاب مقدس می گویند که شمارش این تغییرات به صدها هزار می رسد. حتی بین دو تورات مشهور بنام تورات ماسوری و تورات سامری نیز هزاران تفاوت وجود دارد که اعتبار همه آنها را زیر سوال می برد. برای توضیحات بیشتر درباره تفاوت های این دو تورات مراجعه کنید به:

The Israelite Samaritan Version of the Torah: First English Translation edited by Benyamim Tsedaka, Sharon Sullivan, William B. Eerdmans Publishing Company, Grand Rapids / Cambridge, U.K

۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه نقص مترجمین کتاب مقدس عبری به کتاب زیر مراجعه کنید:

Aviya Kushner, "The Grammar of God: A Journey into the Words and Worlds of the Bible", Penguin Random House L.L.C., New York, 2015.

عبارت	کتاب مقدس ماسوری	طومارهای دریای مرده یا سپتواجنت
پیدایش ۱: ۲	در نسخه عبرانی گفته شده: «روح خدا سطح آبها را فرو گرفت».	در تورات سامری آمده «بادهای خدا بر روی آب می‌وزد».
پیدایش ۱: ۲۷	در نسخه عبرانی آمده: «پس خداوند آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید».	در نسخه سامری آمده: «خداوند انسان را با قدرت خویش آفرید. به صورت فرشتگان آفریدشان، مذکر و مونث».
مزامیر ۴۰: ۶ (در ماسوری) در طومار: ۳۹: ۷	در قربانی و هدیه رغبت نداشتی. اما گوشهای مرا باز کردی. قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی.	قربانی و هدیه را نخواستی؛ اما جسم (بدن) را برای من آماده ساختی.
تثنیه ۳۲: ۴۳	ای امت‌ها با قوم او آواز شادمانی دهید. زیرا انتقام خون بندگان خود را گرفته است و از دشمنان خود انتقام کشیده و برای زمین خود و قوم خویش کفاره نموده است.	شادی کن ای آسمانها، با او، و بگذار همه فرشتگان خدا او را عبادت کنند. (سپتواجنت)
اشعیا ۴۲: ۴ بسیار متفاوت	... و جزیره‌ها منتظر شریعت او باشند.	... و اقوام غیر یهودی بنام او اعتماد کنند. (سپتواجنت)



تنها راه حل مشکل

برای حل مشکل اشتباهات و سوء تفاهامات موجود در ترجمه ها، زمانی که متن اولیه در دست است، می توان ترجمه ها را با هم مقایسه کرد و با مراجعه به متن اصلی بهترین را برگزید و یا ترجمه ای متفاوت انجام داد. اما زمانی که متن اصلی در دست نیست، چگونه می توان با استفاده از ترجمه یا ترجمه ها پی به متن اصلی برد؟ اگر عبارت ترجمه شده پیچدگی خاص ادبی نداشته باشد، و متون دیگری در دسترس باشند که واژه های همسان در زبان اصلی در آنها به کار رفته باشد، امکان دست یابی به کلمات اصلی و یا کلمات نزدیک به آن وجود خواهد داشت.

به عنوان مثال آن دسته از آیات عهد جدید که کلمات به کار رفته در آنها در کتاب مقدس عبری نیز مکرر و بدون شبهه استفاده شده است، قابل بازگردانی به زبان عبری می باشند، به ویژه اگر ترجمه های یونانی کتاب مقدس عبری نیز از همان کلمات استفاده کرده باشند. این کاری است که در این پژوهش برای یافتن نام «احمد» در انجیل یوحنا انجام داده است و در متن حاضر سعی در تشریح آن دارد. برای پیدا کردن معنای آیات عهد جدید خصوصاً انجیل یوحنا که دلالت بر آمدن فردی بعد از حضرت مسیح علیه السلام دارند، معادل عبری کلمه ذکر شده در زبان یونانی، از عهد عتیق جستجو و پیدا شده است و نشان می دهد که این شخص کسی جز پیامبر اسلام نیست.^۱ با این مقدمه بحث را در دو بخش، پاراکلیتوس و احمد پیش می بریم.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره پیشگویی های کتاب مقدس از اسلام، به کتاب زیر مراجعه کنید:

Esmail Hemmati, "The Spirit of Truth, Bible the Herald of Quran", Toronto, 2017, ISBN 978-0-9959690-0-1



در بخش پاراکلیتوس کسی که مورد بشارت حضرت مسیح علیه السلام بود؛ با تشریح معنای لغوی پاراکلیتوس، ناشناخته بودن آن برای شاگردان برخلاف روح القدس که برای آنها و سایر یهودیان شناخته شده بود، جنسیت و زمان ظهور متفاوت آن با روح القدس، نشان داده خواهد شد که این شخص نمی توانست روح القدس باشد. در بخش احمد به تفاوت های بین روح القدس و شخص مورد بشارت خواهیم پرداخت و شباهت لغوی فرد بشارت داده شده با احمد هم در تلفظ و هم در معنا، و نیز ویژگی های دیگر مانند جنسیت و مأموریت مشابه را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در نهایت دادگاه مسیح علیه السلام توسط پیلاطس، فرماندار اورشلیم نیز با جزئیات بررسی خواهد شد و ما را به این نتیجه خواهد رسانید که فرد مورد پیشگویی در انجیل یوحنا کسی جز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیست.

برای اطمینان از رفع هر گونه شبه ای به مکاشفه یوحنا نیز اشاره ای خواهیم کرد که در آن از ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به دو اسم امین و احمد پیشگویی شده است.

بخش اول - پاراکلیتوس

در انجیل یوحنا می خوانیم که حضرت مسیح علیه السلام از آمدن فردی بعد از خود خبر می دهد که نویسنده یوحنا در دو عبارت آن را به پاراکلیتوس ترجمه کرده است. (یوحنا ۱۴ : ۱۶؛ و ۱۶ : ۷) مترجمین کتاب مقدس این واژه را «یاری رسان»، «تسلی بخش» و «مشاور» معنی کرده اند.^۱

هم چنین مسیح علیه السلام او را پاراکلیتوسی متفاوت با آنچه که شاگردان می شناسند می خواند. در زبان یونانی: الون پاراکلیتون ἄλλον Παράκλητον

۱. ترجمه های قدیم، شریف و هزاره نو، The Bible: NIV, KJB, ESV, ISV, NKJB, WEB.

به معنی «تسلی دهنده ای دیگر»^۱ (یوحنا ۱۴ : ۱۶)^۲ است؛ همان که تمام حقیقت را خواهد گفت (یوحنا ۱۶ : ۱۳). در زیر ترجمه این عبارات را می بینید.

و من از پدر سوال می کنم و تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند. یوحنا ۱۴ : ۱۶ (ترجمه قدیم)

و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم. یوحنا ۱۶ : ۷ (ترجمه قدیم)

و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. یوحنا ۱۶ : ۱۳ (ترجمه قدیم)

در این عبارات عیسای مسیح علیه السلام بشارت آمدن یک پاراکلیتوس را به حواریون خود می دهد؛ اما باید بررسی کنیم که این پاراکلیتوس چه شخصی می تواند باشد.

علاوه بر همسانی معنای خود واژه پاراکلیتوس با احمد و محمد (توضیح در زیر داده شده است) خصوصیت هایی که برای پاراکلیتوس ذکر شده است، که تماماً نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صدق می کند.

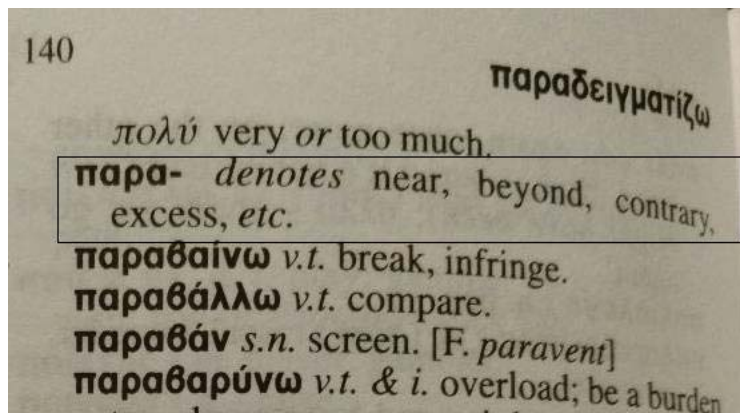
۱. پاراکلیتون (Παράκλητον) حالت مفعولی پاراکلیتوس (παράκλητος) است؛ بمعنی مشاور (Advocate)، تسلی بخش (Comforter)، و یاری رسان (Helper). الون پاراکلیتون (ἄλλον Παράκλητον) بمعنی «مشاوری دیگر»، فردی است که متفاوت با آنچه شنونده می شناسد می باشد.

2. Byzantine/Majority Text, John 14:16

ما نخست این واژه را از نظر لغوی توضیح خواهیم داد و سپس متن یوحنا را بررسی خواهیم کرد.

واژه پاراکلیتوس و محمد

واژه پاراکلیتوس مطابق با ^۱ HELPS Word-studies متشکل از παρα و καλέω است که اولی پسوندی است به معنی «زیاد»^۲ (تصویر پایین) و دومی فعل به معنی «فرا خواندن»، «به نام خواندن»، «دعوت کردن» و غیره است.^۳ که می تواند هم ردیف با «دعا کردن زیاد» باشد. با این احتساب مترادف دانستن پاراکلیتوس با محمد و احمد خالی از دلیل نخواهد بود.



از طرف دیگر کلمه مشابه دیگری بنام παράκληση به معنی «نماز» و «ثنا»^۴ وجود دارد که باز با محمد و احمد مشابهت معنایی دارد.

1. HELPS Word-studies, 3875 parákliētos, www.biblehub.com, (Retrieved March 3, 2020)
 2. Pocket Oxford Greek Dictionary, ISBN 0198645368, Oxford University Press Inc., New York, 1995
 3. Strong's Concordance 2564, <https://biblehub.com/greek/2564.htm>
 4. Pocket Oxford Greek Dictionary, ISBN 0198645368, Oxford University Press Inc., New York, 1995



پاراکلیتوسی دیگر

یکی از کلیدهای مهمی که این متن در اختیار ما می‌گذارد عبارت یوحنا ۱۴: ۱۶ است، عیسی‌ای مسیح به حواریون می‌گوید: «من از پدر سوال می‌کنم و پاراکلیتوسی دیگر به شما عطا خواهد کرد» در زیر متن یونانی این عبارت را مشاهده می‌کنید:^۱

και εγω ερωτησω τον πατερα και αλλον παρακλητον δωσει
υμιν ινα μενη μεθ υμων εις τον αιωνα

نکته بسیار مهمی که باید بدان توجه داشت معنی «دیگر» در یوحنا ۱۶ :

۱۴ است. «تسلی دهنده ای دیگر» ترجمه ای است از عبارت یونانی «ἄλλον» «*allon Parakleton*» «Παράκλητον». کلمه ἄλλον (*allon*) برای بیان این نکته به کار می‌رود که فرد مورد نظر متفاوت با شخصی است که شنونده می‌شناسد، یعنی «نه شخصی که شما می‌شناسید بلکه شخصی دیگر».^۲ این کلمه ۱۷ بار در عهد جدید به کار رفته است و در تمام موارد به معنی «مختلف»، «متفاوت با یکی»، «دیگر» و «یکی دیگر» ترجمه شده است. لغت نامه‌های عهدین نیز همین معانی را بدان داده‌اند. مانند دو لغت نامه زیر:

Strong's Concordance

allos: other, another

Original Word: ἄλλος, η, ον

Part of Speech: Adjective

Transliteration: allos

Phonetic Spelling: (al'-los)

Short Definition: **other, another, different**

Definition: other, another (of more than two), different.

HELPS Word-studies

243 *állos* (a primitive word) – *another* of the *same* kind; *another* of *asimilar* type.

1. Byzantine/Majority Text (2000) w/o Diacritics

2. <https://greeklexicon.org/lexicon/strongs/243/>, (Retrieved February 17, 2020)

یک نمونه از موارد استفاده از $\alpha\lambda\lambda\omicron\nu$ (allon) در عهد جدید است که می نویسد:

زیرا هرگاه آن که آمد، وعظ می کرد به عیسای دیگر ($\alpha\lambda\lambda\omicron\nu\ 'I\eta\sigma\omicron\upsilon\nu$) تلفظ (allon iēsoun)، غیر از آن که ما بدو موعظه کردیم، یا شما روحی دیگر را جز آن که یافته بودید، یا انجیلی دیگر را سوای آن چه قبول کرده بودید می پذیرفتید، نیکو می کردید که متحمل می شدید. (دوم قرنتیان ۱۱ : ۴)

در این عبارت واژه «عیسای دیگر» به این نکته تأکید دارد که این «عیسایی که می شناسید نیست» بلکه عیسایی متفاوت است. در یوحنا ۱۴ : ۱۶ نیز «تسلی دهنده ای دیگر» به همان مفهوم تسلی دهنده ای که می شناسید نیست بلکه تسلی دهنده ای متفاوت است.

حال دو سوال پیش می آید، نخست آن که تسلی دهنده ای که شاگردان او را می شناسند که بود؟ دوم آن که «تسلی دهنده دیگر» چه کسی می تواند باشد؟

روح القدس و تسلی بخش دیگر

روح القدس در کتاب مقدس به عنوان تسلی دهنده معرفی شده است، (یوحنا ۱۴ : ۲۶)، اما تسلی دهنده ای که در این انجیل، بشارت آمدن آن داده شده است نمی تواند روح القدس باشد. یکی از دلایل آن معلوم بودن روح القدس در میان یهودیان و به ویژه شاگردان مسیح ﷺ است؛ حال آن که «تسلی دهنده دیگر» برای شاگردان نامعلوم می باشد. این مسئله با مطالعه گرامری این عبارات قابل درک می باشد که در زیر توضیح آن داده می شود. در زبان یونانی کلمات معلوم با حرف تعریف معین بیان می شوند؛ هم چنان که در زبان انگلیسی حرف تعریف the کلمه بعدی را معین می کند،

در یونانی نیز حروف تعریف معین برای این منظور به کار می رود. حرف تعریف معین در زبان یونانی بسته به جنسیت، تعداد، موقعیت کلمه در جمله و غیره متفاوت می باشد. جدول زیر اشکال مختلف حرف تعریف معین در زبان یونانی باستان را در حالت مفرد نشان می دهد.^۱ در حالت جمع این حروف متفاوت هستند.

مفرد			
جنسیت	مذکر	مونث	خنثی
فاعلی ^۲	ὁ	ἡ	τό
مضاف الیه ^۳	τοῦ	τῆς	του
مفعولی غیر مستقیم ^۴	τῷ	τῇ	τῷ
مفعولی مستقیم ^۵	τόν	τήν	τό
ندایی ^۶	ὦ	ὦ	ὦ

یوحنا نه تنها با بیان «تسلی دهنده دیگر» تاکید بر این دارد که این شخص نه آنی است که مخاطب می شناسد بلکه شخصی دیگر است، بلکه حتی آن را بدون حرف تعریف بیان کرده است؛ یعنی شاگردان صلا او را نمی شناسند و مسیح عَلَيْهِ قبلاً درباره او سخنی با شاگردان نگفته بود. اما درست بعد از آن

^۱ <http://www.ibiblio.org/koine/greek/lessons/noun2dcl.html>, (Retrieved February 17, 2020)

2. Nominative
3. Genitive
4. Dative
5. Accusative
6. Vocative

هرجا صحبت از آن تسلی دهنده شده است، حرف تعریف معین نیز به کار رفته است مانند (یوحنا ۱۶ : ۷)؛ چرا که دیگر آن تسلی دهنده برای شاگردان نامعلوم نیست.

ما می دانیم که یهودیان به خوبی با روح القدس آشنا بودند. در عهد عتیق به کرات از او گفته شده است و عهد جدید نیز هرگز روح القدس را بدون حرف تعریف ذکر نکرده است.

به عنوان مثال زمانی که انجیل مرقس برای اولین بار از روح القدس نام می برد (مرقس ۳ : ۲۹)، آن را با حرف تعریف τὸ بیان می کند؛ چراکه روح القدس کاملاً برای یهودیان شناخته شده بود. در اینجا هر چند مسیح اهمیت روح القدس را برای اولین بار به مردم متذکر شده است، اما آن را طوری بیان کرده است که نشان می دهد روح القدس موجودی معروف و شناخته شده برای مردم بود. حال آن که «تسلی دهنده دیگر» در (یوحنا ۱۴ : ۱۶) بدون حرف تعریف بیان شده است. (در پایین متن یونانی این دو عبارت را مشاهده می کنید.)

روح القدس یا نئوما هاقیون برای اولین بار در مرقس ذکر شده و با حرف تعریف τὸ آمده است. (مرقس ۳ : ۲۹)

Greek Orthodox Church 1904

ὅς δ' ἂν βλασφημήσῃ εἰς τὸ Πνεῦμα τὸ ἅγιον, οὐκ ἔχει ἄφεσιν εἰς τὸν αἰῶνα, ἀλλ' ἔνοχος ἔστιν αἰωνίου κρίσεως*

اما هر که به روح القدس کفر بگوید تا ابد آمرزیده نخواهد شد، نه در

این دنیا و نه در دنیای آینده.

اما تسلی دهنده دیگر یا الون پاراکلیتون بدون حرف تعریف بیان شده است. (یوحنا ۱۴ : ۱۶)

Greek Orthodox Church 1904

καὶ ἐγὼ ἐρωτήσω τὸν πατέρα καὶ ἄλλον παράκλητον δώσει
ὑμῖν, ἵνα μένει μεθ' ὑμῶν εἰς τὸν αἰῶνα,

و من از پدر سوال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند.

گرچه همین یک دلیل به تنهایی ثابت می‌کند که «تسلی دهنده دیگر» به هیچ عنوان نمی‌تواند روح القدس باشد، اما دلایل دیگری نیز برای اثبات این ادعا قابل طرح است که به زودی ارائه خواهیم کرد.

شاید برخی بپندارند که در (یوحنا ۱۴ : ۱۶) نبود حرف تعریف معین به خاطر قرار گیری ἄλλον (allon) قبل از Παράκλητον (Parakleton) می‌باشد.

این دلیل هم از نظر دستوری مورد قبول نیست، و هم مواردی در عهد جدید وجود دارد که ἄλλον (allon) با حرف تعریف معین به کار رفته است. به عنوان نمونه در (یوحنا ۲۰ : ۲) قبل از عبارت «الون ماتیتین» حرف تعریف τὸν آمده و آن را معین کرده است (به این صورت: «تون الون ماتیتین» به معنی «آن شاگرد دیگر»؛ پس شاگرد دیگر، برای شنونده معلوم است.

پس دوان دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست می‌داشت آمده، به ایشان گفت: «خداوند را از قبر برده‌اند و نمی‌دانیم او را کجا گذارده‌اند. یوحنا ۲۰ : ۲ (ترجمه قدیم)

Greek Orthodox Church 1904

τρέχει οὖν καὶ ἔρχεται πρὸς Σίμωνα Πέτρον καὶ πρὸς τὸν
ἄλλον μαθητὴν ὃν ἐφίλει ὁ Ἰησοῦς, καὶ λέγει αὐτοῖς • Ἦραν τὸν
Κύριον ἐκ τοῦ μνημείου, καὶ οὐκ οἶδαμεν ποῦ ἔθηκαν αὐτόν.

نتیجه آن که اگر در انجیل یوحنا «تسلی دهنده دیگر» برای شاگردان معلوم و شناخته شده بود، باید به همراه حرف تعریف معین بیان می شد در حالی که این طور نیست؛ یعنی «تسلی دهنده دیگر» در این عبارت برای شاگردان نامعلوم بوده است. باز به این نتیجه می رسیم که از آن جا که شاگردان و سایر یهودیان روح القدس را می شناختند، نمی توان فرض کرد که «تسلی دهنده دیگر» همان روح القدس بوده است.

دلایل دیگر عدم دلالت تسلی دهنده به روح القدس تفاوت آنها در جنسیت و زمان ظهور است که در زیر توضیح داده می شود.

جنسیت پاراکلیتوس و روح القدس

روح القدس در عهد جدید بدون جنسیت و اما پاراکلیتوس با جنسیت مذکر بیان گردیده است. عبارت یونانی (Pneuma Hagion) Πνεῦμα Ἅγιον. معادل روح القدس، در چندین جا در عهد جدید تکرار شده است. کلمه Πνεῦμα (نئوما) بمعنی «باد» و «روح» ۱۶۰ بار در عهد جدید به کار رفته و در تمام موارد به صورت خنثی بیان گردیده است؛ تصویر زیر از لغت نامه استرونگز کونکورانس معنی و جنسیت دو کلمه پاراکلیتوس و نئوما را توضیح می دهد. هم چنان که می بینید، جنسیت پاراکلیتوس و روح به ترتیب مذکر و خنثی است.

Strong's Concordance

paraklétos: called to one's aid
 Original Word: παράκλητος, ου, ὁ
 Part of Speech: Noun, Masculine
 Transliteration: paraklétos
 Phonetic Spelling: (par-ak'-lay-tos)
 Definition: called to one's aid
 Usage: (a) an advocate, intercessor, (b) a consoler, comforter, helper, (c) Paraclete.

Strong's Concordance

pneuma: wind, spirit
 Original Word: πνεῦμα, ατος, τό
 Part of Speech: Noun, Neuter
 Transliteration: pneuma
 Phonetic Spelling: (pnyoo'-mah)
 Definition: wind, spirit
 Usage: wind, breath, spirit.

ما در بخش دیگر این مقاله توضیح خواهیم داد که حتی واژه دیگری که یوحنا برای شخص پیشگویی شده به کار برده است نیز مذکر می باشد و با جنیست پاراکلیتوس یکی است. این کلمه به «راستی» ترجمه گردیده و هم چنان که نشان داده خواهد شد برگردان «احمد» است.^۱

زمان ظهور تسلی دهنده

یوحنا می گوید: «تسلی دهنده زمانی می آید که مسیح رفته باشد؛ اگر مسیح نرود او نمی آید». (یوحنا ۱۶ : ۷ - ترجمه قدیم)

این بیان برای شناختن زمان آمدن تسلی دهنده بسیار کلیدی است. می دانیم که روح القدس نه تنها در زمان مسیح علیه السلام بلکه حتی قبل از تولد او نیز در میان مردم بود. مادر مسیح علیه السلام، یحیی تعمید دهنده، و پیامبران بنی اسرائیل همگی آنرا داشتند؛ به عبارات زیر توجه کنید:

فرشته بدو گفت: «ای زکریا ترسان مباش، زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است و زوجهات ایصابات برای تو پسری خواهد زایید و او را یحیی خواهی نامید. ۱۴ و تو را خوشی و شادی رخ خواهد نمود و بسیاری از ولادت او مسرور خواهند شد. ۱۵ زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود، پر از روح القدس خواهد بود. (لوقا ۱ - ترجمه قدیم)

مریم به فرشته گفت: «این چگونه می شود و حال آن که مردی را نشناخته ام؟» ۳۵ فرشته در جواب وی گفت: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از آنجهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد. (لوقا ۱ - ترجمه قدیم)

۱. τὸ Πνεῦμα τῆς ἀληθείας (تو ثنوما تیس الیتیاس) به معنی «آن روح راستی» عبارتی است یونانی و برگرفته از شبیه سازی از عبارت عبری רוּחַ אֱמֶת (Ruach Ehmet)

مسیح نیز قبل از عروج با دمیدن بر شاگردان، روح القدس را به آنها اهدا کرده بود و به توسط روح القدس قدرت بخشیدن و عدم بخشش گناهکاران را به آنها داده بود:

چون این را گفت، دمید و به ایشان گفت: «روح القدس را بیابید. گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده شد و آنانی را که بستید، بسته شد.» (یوحنا ۲۰ : ۲۲ ترجمه قدیم)

اگر فرض بر این باشد که در (یوحنا ۱۶ : ۷) مسیح از آمدن روح القدس بعد از رفتن خود خبر داده بود، در این صورت اهدای روح القدس به شاگردان قبل از رفتن مسیح علیه السلام یک تناقض خواهد بود؛ و البته قرار بود «تسلی بخش دیگری» را بفرستد که برای شاگردان نامعلوم بود، نه روح القدس که برای شاگردان شناخته شده بود.

ممکن است سوال شود که مطابق با (یوحنا ۱۶ : ۷) این مسیح علیه السلام است که تسلی دهنده را می فرستد. مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مسیح علیه السلام فرستاده است؟

در پاسخ باید گفت که اگر فرض کنیم که این عبارت عین کلام مسیح علیه السلام است، با در نظر گرفتن این که در یوحنا ۱۴ : ۱۶ «و من از پدر سوال می کنم و تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند». مسیح علیه السلام تقاضای ارسال تسلی دهنده را از خدا می کند، یا باید بپذیریم که بین این دو تناقض وجود دارد، و یا این که منظور مسیح در یوحنا ۱۶ : ۷ نیز درخواست او از خدا بوده است نه این که خودش همه کاره باشد. البته در جاهای دیگر عهد جدید نیز می خوانیم که مسیح علیه السلام می گوید از خود هیچ کاری نمی تواند کند، بلکه هر چه می کند به اذن خداست. (یوحنا ۵ : ۱۹ و ۳۰)

پاراکلیتوس در عهد عتیق

از آنجا که عیسای مسیح علیه السلام به زبان یونانی صحبت نمی کرد بلکه با زبان عبری یا آرامی با حواریون تکلم می نمود باید نگریست که عیسای مسیح در زبان عبری از چه واژه‌ای استفاده کرده که یوحنا آن واژه را به پاراکلیتوس در یونانی ترجمه نموده است.

واژه מְנַחֵם (mē-na-ḥă-mê - مناخما) به معنی «تسلی دهندگان» در عهد عتیق نیز استفاده شده است، مانند ایوب ۱۶ : ۲. مترجمان کتاب مقدس از عبری به یونانی در ترجمه سپتواجنت این واژه را به παρακλήτορες (پاراکلیتورس) ترجمه گردیده که از ریشه پاراکلیتوس می باشد. در پایین متن عبری و ترجمه سپتواجنت را ملاحظه می کنید:

נְשִׂמָנְחֵמִי כְּאֵלֶּה רַבּוֹת; מְנַחֵמִי (מֵנַחְמָא) עֲמֹל עֲלֵיכֶם.

ایوب ۱۶ : ۲ (متن عبری)^۱

ἀκήκοα τοιαῦτα πολλά, παρακλήτορες κακῶν πάντες

ایوب ۱۶ : ۲ (ترجمه سپتواجنت)^۲

این نشان می دهد که واژه‌ای که عیسای مسیح علیه السلام به کار برده מְנַחֵמִי (mē-na-ḥă-mê - مناخما) بوده که یوحنا آن را به یونانی پاراکلیتوس ترجمه کرده است. با بررسی تفاوت تلفظ اسامی در این دو زبان نزدیکی تلفظ מְנַחֵמִי (mē-na-ḥă-mê - مناخما) و محمد و حتی احمد درخور توجه است. نمونه آن در برگردان واژگان از زبان عبری به عربی زیاد می توان مشاهده نمود، از جمله بیتضخک و اسحاق، یشوع و عیسی، و ایشاه و نساء است که تفاوت های تلفظی و املائی زیادی دارند.

1 <https://www.mechon-mamre.org/p/pt/pt2716.htm>, (Retrieved February 18, 2020)

2 <https://www.septuagint.bible/job>, (Retrieved February 18, 2020)

تفاوت های تلفظی و املائی در جدول زیر نشان داده شده است.

יצחק	اسحق	ישוע	عیس ی	אשה	נساء	מנחמי	محمد
' יי	ا	---	ع	ا ا	ن	م م	م
לא תר	س	' יי	ی	لا ش	س	ن	---
אח	ح	لا ش	س	ا ح یا ه	ا	ا ح	ح
ק ק	ق	او	ی	او	ء	م م	م
		لاع	--	لاع	--	' ی	د

پریکلیتوس

باید در نظر داشت که در زبان یونانی کلمه ای مشابه پاراکلیتوس یعنی پریکلیتوس وجود دارد که به معنی ستوده یعنی احمد است؛^۱ اگر احتمال اشتباه یا تحریف در نسخه نویسی انجیل یوحنا را مدنظر قرار دهیم^۲، در این صورت معمای کیستانی این شخص حل شده و نیازی به این تحلیل‌ها نخواهد بود. اما چون مؤمنین به کتاب مقدس تحریف آن را قبول ندارند بنابراین ما از شرح پریکلیتوس صرف نظر می‌کنیم.

در بخش بعدی موضوع «احمد» در کلام مسیح را تشریح خواهیم کرد و خواهیم دید که مسیح به صراحت بشارت آمدن احمد را داده بود؛ اما انجیل یونانی یوحنا آن را به یک عبارت یونانی برگردانده است و برای همین در ترجمه های کتاب مقدس پوشیده مانده است.

بخش دوم: احمد

مهم ترین جایی که صراحتاً از آمدن پیامبری به نام احمد پیشگویی شده است، یوحنا ۱۶ : ۱۳ و ۱۸ : ۳۷ می باشد؛ در این عبارات مسیح علیه السلام نام این شخص را ذکر می کند که به یونانی *ἀληθείας* (الیتیاس) به معنی «راستی» شبیه نگاری شده است. اما از آنجا که مسیح علیه السلام به زبان عبری تکلم می کرد باید ببینیم واژه راستی در زبان عبری چگونه تلفظ می شود .

۱. محمد صادق فخرالاسلام، انیس الاعلام، سید عبدالرحیم خلخالی، انتشارات مرتضوی، ۱۴۵/۵
 ۲. در کتاب مقدس صدها آیه وجود دارد که در نسخ مختلف به شیوه های گوناگون نوشته شده و حتی در برخی از بند ها گاهاً چندین کلمه در نسخه ها کم و زیاد دارد و لذا وقوع اشتباه در تدوین یک واژه در انجیل تصویری دور از ذهن نیست.

این واژه در زبان عبری אמת (eh'-meth) می باشد که در عهد عتیق به کرات استفاده شده است و از جهات مختلف شباهت و هم سانی با واژه عربی «احمد» دارد. مانند نمونه زیر:

קָרוֹב יְהוָה, לְכֹל-קְרֹאִיו-- לְכֹל אֲשֶׁר יִקְרָאֵהוּ בְאֵמֶת. (eh'-meth)
 خداوند نزدیک است به آنانی که او را می خوانند، به آنانی که او را به راستی می خوانند. مزامیر ۱۴۵ : ۱۸ (متن عبری)^۱

ما در این بخش ارتباط لغوی بین אמת (eh'-meth) و «احمد»، و نیز دلایل موجود دریافت یوحنا ۱۶ : ۱۳ و ۳۷ : ۱۸ را که نشان دهنده دلالت آن به پیامبر اکرم ﷺ است بررسی خواهیم کرد.

بشارت به ظهور احمد

در انجیل یوحنا، مسیح عَلَيْهِ السَّلَام از آمدن شخصی بعد از عروج خودش خبر می دهد. در ترجمه های فارسی، این شخص «روح راستی» خوانده شده است. هم چنان که بعداً توضیح داده خواهد شد روح برای انبیای الهی نیز استفاده شده است. (اول یوحنا ۴ : ۱ - ۳) پس «روح راستی» را می توان «پیامبر راستی» معنی کرد. هم چنین مأموریت موعود نیز در یوحنا بیان شده است. آیات مربوطه را از یوحنا مرور می کنیم:

اما الان نزد فرستنده خود می روم و کسی از شما از من نمی پرسد به کجا می روی. ولیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پر شده است. و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم. و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم

1. <https://www.mechon-mamre.org/pi/pt26e5.htm>, (Retrieved February 18, 2020)

خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند. و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید. و اما بر داوری، از آنرو که بر رئیس این جهان حکم شده است. «و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم، لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارید. و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. یوحنا ۱۶ : ۵-۱۳ (ترجمه قدیم)

آیه ۱۳ در نوع خود بی نظیر است. مشخصاتی که این عبارت در ارتباط با بحث ما دارد در چند مورد قابل ذکر است.

اسم معین

نخست آن که در متن یونانی یوحنا، τὸ Πνεῦμα τῆς ἀληθείας (تو نئوما تیس الیتیاس) برای بیان شخص مورد پیشگویی بیان شده است که با حروف تعریف معین τὸ و τῆς آمده است و نشان می‌دهد که این شخص برای شاگردان شناخته شده بود؛ چرا که قبلا مسیح در مورد او (با عنوان پاراکلیتوس یا تسلی دهنده) پیشگویی کرده بود (یوحنا ۱۴ : ۱۶ و ۱۶ : ۷) و شاگردان می‌دانستند که مسیح عَلَيْهِ السَّلَام در مورد چه کسی سخن می‌گوید.

اسم مذکر

دوم آن که حداقل هفت بار ضمیر سوم شخص مذکر و مشتقات آن برای این شخص به کار رفته است و نشان می‌دهد که او یک مرد است. در ترجمه های فارسی به خاطر نبود ضمیر متفاوت برای مرد و زن، این امر پوشیده مانده است. اما در زبان هایی که ضمائر جنسی متفاوت وجود دارد، مانند

یونانی، عربی، عبری و انگلیسی، این مسئله به خوبی نمایان است. به طوری که در ترجمه های زیر می بینیم:

واما متی جاء ذاك روح الحق فهو يرشدكم الى جميع الحق لانه لا يتكلم من نفسه بل كل ما يسمع يتكلم به ويخبركم بامور آتية.¹

John 16:13

New International Version

But when he, the Spirit of truth, comes, he will guide you into all the truth. He will not speak on his own; he will speak only what he hears, and he will tell you what is yet to come.

در زبان یونانی *ἐκεῖνος* (اکینوس) به معنی «او» (مرد) برای این شخص به کار رفته است و افعال و کلمات دیگر در این عبارت نیز مطابق با همین جنسیت بیان شده اند، یعنی همگی مذکر.

روح راستی

τὸ Πνεῦμα τῆς ἀληθείας (تو نئوما تیس الیتیاس) به معنی «آن روح راستی» عبارتی است یونانی و ترجمه عبارت عبری *רוּחַ אֱמֶת* (Ruach Ehmet). به دلایل متعدد از جمله عدم آشنایی حواریون با او، جنسیت مذکر، ظهور پس از عروج مسیح عليه السلام، و ویژگی های دیگر نمی تواند همان روح القدس باشد. الیتیاس معادل کلمه عبری *אֱמֶת* ('*ē-met*) است که از لحاظ مختلف بسیار نزدیک به «احمد» در عربی می باشد. هم چنان که در ادامه توضیح داده خواهد شد، به یقین حضرت مسیح عليه السلام «احمد» گفته بودند ولی نویسندگان یا نسخه برداران بعدی آن را *אֱמֶת* ('*ē-met*) نوشتند.

1. Arabic: Smith & Van Dyke, John 16:13

ذکر این نکته نیز ضروری است که در زمان حضرت مسیح علیه السلام و حتی در تمام تاریخ یهودی و مسیحی هیچ کس به این اسم خوانده نشد. بنابراین اشتباه انداختن «احمد» با کلمه عبری מְחִמֵּה (ē-met') که به معنی «حقیقت» و «راستی» است کاملاً قابل درک می باشد؛ به ویژه این که انجیل یوحنا ده ها سال بعد از مسیح به تحریر درآمد و متأخرترین انجیل در کتاب مقدس نیز می باشد؛ از آن مهم تر این که کسی واقعا نمی داند انجیل یوحنا در متن اصلی چگونه بوده است و هرچه ما امروزه داریم حاصل ده ها و صدها بار کپی برداری و هزاران اشتباه و تغییر است که در کتاب مقدس صورت گرفته است. با همه این ها مشاهده عبارتی که این میزان دلالت به «احمد» دارد؛ نشان دهنده اراده خداوند در آشکار ساختن حقایق آخرین پیامبر خود در متون و زمان های مختلف است.

موعود چه خواهد کرد؟

مطابق با عبارات فوق الذکر، موعود مسیح فردی است که حداقل سه عمل را به انجام خواهد رسانید: «و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود» (یوحنا ۱۶ : ۸) بعد مسیح منظور خود را توضیح می دهد:

اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی آورند. و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید. و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است. (یوحنا ۱۶ : ۹-۱۱)

نکات بسیار جالبی در این سه عبارت است که همگی در پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مصداق پیدا کرده است.

بی ایمانی مردم نسبت به مسیح

حقیقت این است که هشدار مسیح به آنهایی است که ادعای پیروی از او را دارند؛ می فرماید که پیامبر موعود بی ایمانی آنها را به ایشان متذکر خواهد شد. قرآن دنیای مسیحیت را از نسبت دادن عناوین و سخنان شرک آلود به مسیح و پرستش غیر خدا نهی می کند و آنها را به توحید فرا می خواند.

این شخص نمی تواند روح القدس باشد؛ مسیحیان معتقد هستند که روح القدس پیام بخشش گناه آدمیان را آورده است نه گنهکار بودن را. تمام دکترین فدیّه، تمام فلسفه ظهور مسیح و کشته شدن او در مسیحیت بر این تأکید دارد که گناه اصلی انسان بخشیده شده است و راه برای نجات باز است. حال آن که مسیح می فرماید: «فرد موعود به گناه جهانیان تأکید خواهد کرد» (یوحنا ۱۶: ۸-۹)

قرآن کریم، مسیحیان را نسبت به افراط در دین هشدار می دهد و آنها را از پرستش مسیح و مادرش منع کرده است که مسیح بدان وعده داده است.

و هنگامی که خدا به عیسی بن مریم می فرماید: آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را به عنوان دو معبود به جای خدا انتخاب کنید؟! می گوید: منزّه و پاکی، مرا چنین قدرتی نمی باشد که آن چه را حقّ من نیست بگویم، اگر آن را گفته باشم یقیناً تو آن را می دانی، تو از آن چه در جان و روح من است آگاهی، و من از آن چه در ذات توست نمی دانم؛ زیرا تو بر نهان ها بسیار دانایی. مائده/۱۱۶

عدم رؤیت مسیح

مسیحیان مکرر ادعای رؤیت حضرت مسیح علیه السلام را می کنند بی آن که بدانند در واقع خلاف وعده مسیح علیه السلام ادعا می کنند که می فرماید: «نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید». (یوحنا ۱۶ : ۱۰) قرآن می فرماید: «خداوند مسیح را به سوی خود بالا برد». (نساء ۱۵۸) این مطلب می تواند به مفهوم عدم امکان رؤیت حضرت توسط مردم باشد، تا زمانی که موعد ظهور مجدّد فرا رسد. هر کس ادعای دیدن مسیح علیه السلام را می کند، اول باید ظهور را اثبات کند، و الا مطابق با وعده مسیح علیه السلام، امکان رؤیت مسیح علیه السلام قبل از ظهور وجود ندارد.

داوری بر رئیس این جهان^۱

در عبارت یازدهم مسیح علیه السلام می فرماید:

که هنگامی که موعود ظهور می کند اعلام خواهد کرد که بر رئیس این جهان داوری شده است. (یوحنا ۱۶ : ۱۱)

اگر منظور از رئیس این جهان خود حضرت باشد، در این صورت داوری بر مسیح فقط زمانی مصداق پیدا می کند که قضاوت مردم نسبت به اتهامات داده شده به حضرت را به عنوان قضاوتی نادرست در نظر بگیریم که از جمله آن اتهام ادعای پادشاهی و الوهیت است که حضرت هرگز این اتهامات را قبول نکردند.

۱. برخی انبیای الهی به ویژه آنهایی که اولوالعزم بودند، در زمان خود به عنوان سرور و رئیس جهان به حساب می آمدند، ولی پس از ظهور پیامبر جدید مأموریت آنها تمام شده و ریاست پیامبر جدید آغاز می شد.

هم چنین قضاوت مسیحیان در مورد تصلیب مسیح نیز می تواند مد نظر این عبارت باشد. حضرت مسیح در قرآن از هردو اتهام الوهیت و تصلیب منزه دانسته شده است.

و به سبب گفتارشان که ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. در صورتی که او رانکشتند و به دار نیاویختند، بلکه بر آنان مُشْتَبِه شد؛ و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع و حال او در شک هستند، و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند، و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. نساء ۱۵۷ و ۱۵۸

هدایت به جمیع راستی

به آیه سیزدهم دقت کنید:

و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد.» (یوحنا ۱۶ : ۱۳)

این به معنی آوردن تمام قوانین و احکام لازم برای هدایت بشر است. تنها دینی که چنین ادعایی کرده است، اسلام می باشد. روح القدس که مدنظر مسیحیت است، هرگز قوانین عبادی، تجاری، حقوقی، خانوادگی، دفاع و ... را نیاورد و کتاب مقدس نیز چنین ادعایی را نمی کند. بسیاری از سوال های الهیاتی و اجتماعی در مسیحیت بی پاسخ مانده اند. بنابراین این شخص موعود نمی تواند روح القدس مورد نظر مسیحیت باشد. توانایی اسلام به پاسخگویی به سوالات در عصرهای مختلف و کشف مداوم حقایق در قرآن کریم مصداق

این عبارت مسیح است که او همه حقایق لازم برای هدایت بشر را ذکر خواهد کرد.

از خود تکلم نمی کند

عبارت «از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت» (یوحنا ۱۶: ۱۳) مبین این مسئله است که او مقام الوهیت ندارد. پس این شخص نمی تواند روح القدس مورد نظر مسیحیان باشد. چراکه از نظر آنها روح القدس خداست و بنابراین نیازی به دریافت پیام از کسی ندارد بلکه خودش پیام را به پیامبران می رساند. البته ما الوهیت روح القدس را قبول نداریم، اما برای معتقدین تثلیث این عبارت دلیل محکمی بر عدم اطلاق آن به روح القدس می باشد. برخی از فریق مسیحی مانند «شاهدان یهوه» ادعا می کنند که در نظر آنها روح القدس خدا نیست، بنابراین این عبارات می تواند به روح القدس دلالت داشته باشد. در پاسخ باید گفت که در نظر این فرقه، روح القدس شخص نیست؛ موجودی با توانایی شنیدن، سخن گفتن نیست. شاهدان یهوه معتقدند که روح القدس فقط انرژی فعال است.^۱ ما می دانیم که انرژی قادر به شنیدن و سخن گفتن نیست؛ برای سخن گفتن و هدایت کردن مردم به تمامی حقایق، باید مثل مردم و در میان مردم زندگی کرد و عملاً راه و روش زندگی صحیح را به آنها آموخت؛ که البته چنین خصوصیتی را نمی توان به انرژی نسبت داد.

1. <https://wol.jw.org/en/wol/d/r1/lp-e/1101989306>, (Retrieved February 19, 2020)

از امور آینده به شما خبر خواهد داد

عبارت « از امور آینده به شما خبر خواهد داد »؛ (یوحنا ۱۶ : ۱۳) به خوبی در قرآن و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مصداق دارد. این بخش به خاطر التزام به شرح وقایع و مباحث جانبی وسیع در این مقاله توضیح داده نمی شود اما در چند جمله باید گفت که قرآن در مواردی مطالبی را فرموده است که در مدت زمان کمی و در زمان حیات مردم همان دوران به وقوع پیوسته و حقیقت آن آشکار شده است. مانند پیروزی رومیان شکست خورده در کمتر از ده سال، پیروزی مسلمانان در بدر و احزاب، کثرت و دوام نسل پیامبر، پیش بینی فتح مکه، ایمان نیاوردن ابولهب تا آخر عمر و غیره. هم چنین پیشگویی پایان عمر خورشید، از هم پاشیدن ستارگان در آخرالزمان، و بسیاری مطالب دیگر.

همان طور که در عبارت سیزدهم ملاحظه می کنید، صحبت از شخصی است که انجیل یوحنا او را «روح راستی» خطاب کرده است. البته در آیه هفتم عنوان «تسلی دهنده» (پاراکلیتوس) نیز برای او به کار رفته است که توضیح آن پیشتر داده شد. با توجه به این که مسیح به زبان عبری و آرامی سخن می گفتند، به ویژه این قسمت از سخنان ایشان که خطاب به حواریون می باشد، باید عبارت «روح راستی» را به عبری برگردانیم تا حقیقت روشن شود.

روح در عبری **רוח** (رواخ یا روخا) می باشد که برای پیامبران نیز به کار رفته است (اول یوحنا ۴: ۱-۲) و عبارت «راستی» نیز، هم چنان که قبلا توضیح داده شد، **אֱמֶת** (eh'-meth) می باشد. بنابراین «روح راستی» می شود: پیامبر eh'-meth.

مسیح از پیامبری که نامش برای مردم نا آشنا بود سخن می گفت و مردم گمان می کردند که او از **מִתְּחִלָּה (eh'-meth)** که به معنی « راستی و حقیقت » است حرف می زند؛ و یا این که نویسنده یا نسخه برداران انجیل یوحنا آن را به **מִתְּחִלָּה (eh'-meth)** تغییر داده اند؛ اما متن گفتگو و تعلیمات مسیح **עֲלֵינוּ** به درستی نشان می دهد که در این جا صحبت از شخصی است که نامش شبیه **eh'-meth** است. در صفحات بعدی، توضیحات بیشتری درباره واژه **מִתְּחִלָּה (eh'-meth)** داده خواهد شد.

دادگاه پیلطس

انجیل یوحنا دادگاه برای اعدام مسیح **עֲלֵינוּ** را گزارش کرده است. او معتقد است مسیح **עֲלֵינוּ** پس از دستگیری و محاکمه مقدماتی توسط سران یهود، برای برگزاری دادگاه رسمی و دولتی، پیش پیلطس فرماندار رومی اورشلیم آورده شد تا حکم اعدام اش به تأیید فرماندار برسد. در این دادگاه پیلطس سوالاتی از مسیح **עֲלֵינוּ** می کند و مسیح **עֲלֵינוּ** نیز در دفاع از بی گناهی خود پاسخ هایی را می دهد. از جمله سوالات پیلطس، و شاید مهم ترین آنها، این بود که آیا مسیح **עֲלֵינוּ** ادعای پادشاهی می کند یا نه؟ و نیز چه کاری کرده است که سران یهود او را به حضور وی آورده اند؟ مسیح در پاسخ می گوید که او برای شهادت دادن به کسی آمده است و ادعای پادشاهی هم ندارد. مطلب بسیار مهمی که بزرگان مسیحی آن را نادیده گرفته اند این است که ایشان فلسفه ظهور خود را شهادت دادن به این شخص معرفی کرده و مهم تر این که کلمه ای که برای این شخص استفاده می کند نه یونانی بود و نه عبری؛ به طوری که حتی بزرگ ترین مقام رسمی اورشلیم، یعنی پیلطس نیز معنی این

کلمه را نمی دانسته؛ او از این که این کلمه اسم کسی است نیز خبر نداشت. اجازه بدهید گزارش یوحنا از این دادگاه را با هم بخوانیم:^۱

پس پیلاطس باز داخل دیوانخانه شد و عیسی را پس پیلاطس باز داخل دیوانخانه شد و عیسی را طلبیده، به او گفت: «آیا تو پادشاه یهود هستی؟» عیسی به او جواب داد: «آیا تو این را از خود می گویی یا دیگران درباره من به تو گفتند؟» پیلاطس جواب داد: «مگر من یهود هستم؟ امت تو و روسای کهنه تو را به من تسلیم کردند. چه کرده ای؟» عیسی جواب داد که «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می بود، خدام من جنگ می کردند تا به یهود تسلیم نشوم. لیکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست.» پیلاطس به او گفت: «مگر تو پادشاه هستی؟» عیسی جواب داد: «تو می گویی که من پادشاه هستم. از این جهت من متولد شدم و بجهت این در جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم، و هر که از راستی است سخن مرا می شنود.» پیلاطس به او گفت: «راستی چیست؟» و چون این را بگفت، باز به نزد یهودیان بیرون شده، به ایشان گفت: «من در این شخص هیچ عیبی نیافتم. یوحنا ۱۸ : ۳۳-۳۸ ترجمه قدیم)

۱. گزارش سه انجیل دیگر (متی، مرقس و لوقا) از این دادگاه بسیار متفاوت با یوحنا می باشد. در این سه انجیل مسیح از خود دفاع نمی کند و هرگز نمی گوید که علت ظهورش «شهادت به راستی» است. این مسئله حساسیت موضوع را بیشتر کرده است.

فلسفه ظهور مسیح، شهادت به احمد

با فرض صحّت داشتن گزارش این دادگاه، باید معترف بود که سخنان

مسیح در این قسمت بسیار شگفت انگیز است.^۱

از این چند آیه به راحتی می توان فهمید که حضرت عیسی علیه السلام اتهام ادعای پادشاهی را رد می کند. برای همین پیلاطس او را بی گناه می خواند. دقت کنید که آنچه که برای پیلاطس مهم بود این است که آیا مسیح ادعای پادشاهی می کند یا نه؟ برای رومیان این مسئله بسیار اهمیّت داشت. آنها می دانستند که یهودیان در انتظار فردی هستند که آنها را رهبری می کند و پادشاهی را از دست رومیان می گیرد. به عبارت دیگر رومیان به شورش علیه حکومت بسیار حساس بودند. برای همین پیلاطس سوال خود را دو بار تکرار می کند و مسیح اتهام پادشاهی را رد می کند. پیلاطس می خواهد بداند که مسیح چه کرده است که سران یهود او را به دادگاه کشانده اند. اگر پاسخ مسیح مورد توجه مسیحیان قرار می گرفت، دنیای مسیحیّت چیز دیگری می بود. ایشان علت ظهور خود را شهادت به احمد توصیف می کند که در نظر نویسندگان یوحنا و یا نسخه برداران، «شهادت به راستی» بوده است.

نکته مهم دیگری که در این محاکمه دیده می شود شیوه پاسخ دادن

حضرت مسیح علیه السلام است. مسیح علیه السلام ضمن رد کردن اتهام پادشاهی، می گوید:

۱. تناقضات موجود در اناجیل درباره گزارش داستان دستگیری، دادگاه و وقایع دیگر مرتبط با مسیح علیه السلام این نظریه را مطرح کرده است که هیچکدام از نویسندگان اناجیل اطلاع دقیقی از این قضایا نداشته اند و لذا اعتبار تاریخی اناجیل زیر سوال است. اما ما به خاطر باور مسیحیان به کتاب مقدّس، و برای کمک به نزدیکی دو قوم مسیحی و مسلمان به یکدیگر، به داستان دادگاه مسیح علیه السلام استناد می کنیم. این نیز لازم است روشن شود که قرآن کریم سخنی از دادگاه مسیح علیه السلام (رد یا تایید آن) نروده است اما تصلیب و کشته شدن حضرت را نفی کرده است.

«... از این جهت من متولد شدم و به جهت این در جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم، و هر که از راستی است سخن مرا می شنود.» (یوحنا ۱۸ ک ۳۸)

عبارت «هر که از راستی است سخن مرا می شنود» به معنی این است که هر کس مؤمن و پیرو «راستی» است به من ایمان دارد و حرف‌های من را پیروی می کند. همین جمله اهمیت «راستی» در کلام مسیح را نمایان می کند. آیا «شهادت به راستی» به خودی خود شهادت است؟ نه؛ باید در ورای این واژه چیزی نهفته باشد که معنی خود را تکمیل می کند، یعنی شهادت دادن به پدیده یا شخصی که یوحنا آن را *ἀληθείας* (الیتیاس) می خواند و مترجمان دیگر نیز آن را به «راستی» برگردانده اند. کلید معمای چه بودن شهادت در همین کلمه *ἀληθείας* است اما نه در زبان یونانی، بلکه در زبان عبری.

ذکر این نکته نیز ضروری است که اگر منظور از «شهادت به راستی» گفتن و شهادت دادن صحیح و درست است، در این صورت باید پرسید: چرا مسیح خود شهادت را مطرح نکرده است؟ چرا نگفته است که برای چه چیزی شهادتِ درست می دهد؟

فرض کنید شما در دادگاهی حاضر شده اید تا درباره واقعه‌ای شهادت بدهید. نخست قسم یاد می کنید و می گوئید: «قسم می خورم که شهادت درست بدهم». در این جا هنوز چه بودن شهادت مطرح نشده است بلکه به درست شهادت دادن اشاره شده. حال در مورد بیان حضرت مسیح علیه السلام، اگر «شهادت به راستی» به معنی شهادت درست است، پس خود مورد شهادت چیست؟ با این فرض، در هیچ جای این دادگاه مطرح نشده است که شهادت مسیح علیه السلام چه بود. بنابراین، منظور مسیح علیه السلام شهادت درست دادن نبود، بلکه

شهادت به کسی است که انجیل یوحنا آن را با *ἀληθείας* (الیتیاس)، به معنی «راستی»، شبیه سازی کرده است. با بررسی دقیق این عبارت می توان به راحتی فهمید که ظهور احمد، منظور مسیح ﷺ بوده است اما در انجیل یونانی یوحنا به صورت «شهادت به راستی» منعکس گردیده است. در تأیید این ادعا کافی است ادامه گفتگوی مسیح ﷺ و پیلاطس را بخوانیم که در آن پیلاطس می پرسد: «راستی چیست؟» یعنی او نمی دانست که این واژه چه می باشد؛ البته کاملاً طبیعی است چراکه واژه به کاررفته توسط مسیح برای پیلاطس ناآشنا بود.

باز تأکید می کنم که اگر منظور مسیح شهادت صحیح و درست بود انتظار می رفت پیلاطس از چه بودن شهادت سوال کند نه از چه بودن راستی. هیچ عاقلی انتظار ندارد که بالاترین مقام رسمی یک شهر مهم تاریخی معنی راستی را نفهمد؛ مگر آن که واژه به زبانی غریب باشد. مضافاً چرا فرماندار نپرسیده است که شهادت درست تو به چه چیزی است؟ به خاطر این که پیلاطس به خوبی فهمیده بود که منظور مسیح ﷺ نه شهادت صحیح و راستین بلکه شهادت به چیزی است. برای همین سوالش نیز مرتبط با چه بودن این کلمه مبهم می باشد.

عجیب تر از همه اینها پاسخ ندادن مسیح ﷺ به سوال فرماندار است. پیلاطس هم هیچ عکس العملی به آن نشان نمی دهد! چگونه ممکن است سوال به این مهمی، که حاکم شهر می پرسد مورد بی اعتنائی یک متهم قرار می گیرد، و حاکم نیز هیچ عکس العملی نشان نمی دهد؟ پیلاطس برای این مسیح را دادگاهی می کند که بداند حرف حساب مسیح چیست و او دنبال چه می باشد. این پرسش و پاسخ بین قاضی و متهم، فاصله بین زندگی و

مرگ است؛ قاضی می خواهد حرف متهم را بشنود و بداند او چه کرده است. اگر پاسخ مسیح این است که او هیچ کاری نکرده است و نمی کند به جز شهادت درست، هر کسی به جای فرماندار روم باشد، می پرسد: به چه چیزی یا به چه کسی شهادت درست می دهی؟ اما می بینیم که فرماندار از چه بودن راستی سوال می کند؛ یعنی او معنی راستی را نمی فهمد.

فراموش نکنیم که متهم انسان معمولی نیست؛ او فرستاده خدا برای هدایت مردم می باشد. سوال به این مهمی را چرا بدون پاسخ گذاشت؟ آن هم موقعی که می خواهد از بی گناهی خود دفاع کند و مأموریت خودش را به گوش فرماندار برساند.

آیا مسیح علیه السلام پاسخ او را داد اما نویسنده یوحنا آن را گزارش نکرد، یا نسخه برداران آن را باب میل خود ندیدند و لذا ضمن حذف پاسخ مسیح علیه السلام به سوال فرماندار، نام شخص مورد بشارت مسیح علیه السلام را نیز شبیه سازی کردند تا حقیقت را پنهان کنند؟ برای یافتن حقیقت ما چاره ای نداریم جز این که با بازسازی صحنه دادگاه تکه های گم شده معما را کشف و تصویر را تکمیل کنیم.

صحنه ای که از بازسازی دادگاه به دست می آید، اهمیت فوق العاده شخص مورد بشارت و مورد شهادت مسیح علیه السلام را به خوبی نمایان می کند. ما می دانیم که عیسی علیه السلام به زبان عبری و آرامی سخن می گفتند و فقط در گفتگو با رومیان مجبور به تکلم به زبان یونانی بودند. در داستان محاکمه ایشان توسط پیلاطس، مسیح علیه السلام از یک عبارت غیر یونانی استفاده کرده است که برای پیلاطس ناآشنا بود. برای همین پیلاطس می پرسد: «راستی چیست؟» حال آن که اگر مسیح علیه السلام واقعا واژه یونانی معادل راستی یعنی الیتیاس را می

گفت، جای چنین سوالی برای پیلاطس باقی نمی ماند و به جای این که بپرسد «راستی چیست» می پرسید «شهادت به راستی چیست؟ یعنی از کدام شهادت سخن می گویی؟ اما می پرسد: «راستی چیست؟» و احتمالا وقتی می فهمد که شهادت دادن به این شخص چیزی نیست که جرم محسوب شود، یعنی دقیقا تکه گم شده صحنه، مسیح علیه السلام را بی گناه می خواند.

نبود پاسخ مسیح علیه السلام به سوال آخر پیلاطس حرف های زیادی برای گفتن دارد؛ این پاسخ مطابق میل دست اندرکاران کتابت و نگهداری انجیل یوحنا نبود لذا چنین مصلحت دیدند که دفتر گزارش دادگاه را ناقص ببندند.

تحلیل دادگاه پیلاطس

دادگاه پیلاطس احتمالا به یکی از دوزبان یونانی و عبری صورت گرفته است. در زیر این دو احتمال را بررسی می کنیم.

دادگاه به زبان یونانی

احتمال این که دادگاه به زبان یونانی تشکیل شده باشد بسیار زیاد است؛ چرا که یونانی زبان رسمی دولت روم و زبان پیلاطس بود. در این صورت باید بپذیریم که این پاسخ مسیح علیه السلام نیز به یونانی بوده است: «از این جهت من متولد شدم و بجهت این در جهان آمدم تا به راستی (الیتیاس) شهادت دهم». اما یوحنا می نویسد که پیلاطس معنی راستی (الیتیاس) را نمی فهمد و لذا می پرسد: راستی (الیتیاس) چیست؟ سوال پیلاطس از چه بودن راستی نشان می دهد که این کلمه نمی توانسته یونانی باشد؛ به عبارت دیگر مسیح نه از الیتیاس بلکه از یک واژه غیر یونانی استفاده کرده است که اولاً برای

پیلطس ناآشنا بود، ثانیاً نویسنده یوحنا آن را کلمه ای تصور کرده است که معنای الیتیاس (راستی) می دهد و برای همین آن را «الیتیاس» نوشته است. اما سوالی که پیش می آید این است که کدام کلمه غیر یونانی است که به معنی الیتیاس (راستی) است؟

شاید یوحنا تصور کرده است که مسیح ازواژه عبری מֵת (eh'-meth) که به معنی راستی است استفاده کرده بوده و برای همین پیلطس معنی آن را نفهمیده. هر چند این فرض بدون ایراد نیست، اما اگر درست بوده باشد باید گفت که مسیح واژه عبری מֵת (eh'-meth) را در میان کلمات یونانی به زبان آورده و لذا پیلطس متوجه معنی آن نشده است. این واژه در عهد عتیق به کرات به همین معنی (راستی و حقیقت) استفاده شده است. البته این نیز محتمل است که نویسنده یوحنا دقیقاً کلمه به کار رفته توسط مسیح מֵת را نوشته باشد، اما نسخه برداران آن را به الیتیاس (راستی) عوض کرده اند.

حال با فرض این که واژه عبری מֵת (eh'-meth) مورد استفاده مسیح بوده، باید پرسید به چه دلیل مسیح در دادگاهی که به زبان یونانی است ناگهان واژه ای عبری استفاده کرده است که فرماندار نیز از فهمیدن معنی آن باز مانده است؟ هیچ دلیلی برای این دیده نمی شود مگر آن که بگوییم مسیح معادل کلمه מֵת (eh'-meth) در یونانی را نمی دانسته. این نیز منطقی به نظر نمی آید چراکه هیچ مترجمی برای کمک در جلسه دادگاه خوانده نشده است. پس مسئله چیز دیگری باید بوده باشد.

حساسیت این موضوع به سه علت دیگر بسیار زیاد است:

۱. یوحنا تنها انجیلی است که این مطلب را ذکر کرده است. ۲. علاوه بر ذکر «شهادت به راستی» قسمت دوم سخن مسیح مَسِيحٌ نیز اهمیت این پیام

مسیح را نشان می دهد. آن جا که می گوید: «و هر که از راستی است سخن مرا می شنود». ۳. مسیح پاسخ سوال پیلاطس را در مورد راستی نمی دهد! آیا نویسنده یا نسخه برداران انجیل یوحنا از نوشتن آن ابا داشتند یا مسیح نمی خواست راز این کلمه را برای پیلاطس فاش کند؟ جواب هر چه باشد نشان می دهد که این کلمه به معنی راستی و حقیقت نبوده بلکه موضوع مهمی داشته است و برای همین یا مسیح علیه السلام پاسخ آن را نداده است و یا یوحنا آن را ذکر نکرده است تا راز آن آشکار نشود؛ و یا این که نسخه برداران این قسمت را تحریف کرده اند.

دادگاه به زبان عبری

حال اگر دادگاه به زبان عبری بوده باشد، که احتمال آن بسیار کم است، این ثابت می کند که پیلاطس به زبان عبری تسلط داشته. چون پیلاطوس معنی کلمه مورد استفاده مسیح علیه السلام را نمی دانسته، پس این کلمه عبری یا یونانی نبوده. (فراموش نکنیم که پیلاطس یک مقام ارشد رومی است که زبان یونانی هم زبان مادری و هم زبان رسمی اش بود و فرماندار مهم ترین شهر یهودی نشین نیز بود.)

عدم درک پاسخ متهم از طرف قاضی امری ساده نیست. برای فرمانداری که در مهم ترین شهر یهودی نشین حکومت می کند، و مردی را دادگاهی می کند که مردم زیادی پیرو او هستند نفهمیدن پاسخ متهم و رد شدن از کنار آن غیر قابل قبول است. اگر معنی אֵי מֵת (eh'-meth) برای او نامفهوم بود می توانست از یک مترجم یونانی - عبری بخواهد تا برای او توضیح دهد، گرچه خود مسیح علیه السلام بهترین کسی بود که می توانست این مشکل را حل کند. اما

می بینیم که سوال قاضی از متهم بی پاسخ مانده است و ... دادگاه به بی گناهی متهم رأی می دهد! مثل این است که شما در دادگاهی به عنوان متهم حاضر شده اید و به سوالات قاضی پاسخ می دهید؛ ناگهان قاضی کلمه ای را نمی فهمد، آن هم کلمه ای بسیار مهم؛ چرا که شما تنها مأموریت خود را بر آن متمرکز کرده اید؛ آن وقت قاضی از شما می پرسد: این کلمه به چه معناست؟ مسلماً شما پاسخ او را می دهید و یا فردی که به زبان شما و زبان قاضی تسلط دارد برای ترجمه احضار می شود. اما در داستان دادگاه مسیح توسط پیلاطس این بخش کاملاً پوشیده و مبهم مانده است. با این توضیح می توان به راحتی این احتمال را داد که پیلاطس متوجه این حقیقت شده بود که مسیح علیه السلام به کسی شهادت می دهد که حکومت روم را به خطر نمی اندازد؛ لذا رأی به بی گناهی او می دهد.

اگر فرض کنیم منظور از سوال پیلاطس، طرح پرسشی فلسفی از «راستی و حقیقت» بود، پس چرا منتظر پاسخ نماند؟ چرا مسیح علیه السلام راستی را برای او توضیح نداد؟ آیا مسیح عاجز از پاسخ دادن به این سوال بود؟ به یقین منظور پیلاطس پرسش از معنای فلسفی راستی نبود. او حتی نمی دانست مسیح علیه السلام از چه سخن می گوید. مسیح علیه السلام به آمدن شخصی شهادت می دهد که پیلاطس هرگز چنین اسمی را نشنیده بود؛ حتی نمی دانست این یک اسم است؛ برای همین می پرسد راستی چیست؟ او کاملاً با این واژه بیگانه بود. پس به طور خلاصه، تنها دلیل نامفهوم بودن واژه این می تواند باشد که مسیح علیه السلام از کلمه ای غیر عبری و غیر یونانی استفاده کرده بود. با توجه به توضیحاتی که در صفحات بعدی داده خواهد شد، احمد نزدیک ترین کاندید برای حل معمای تکه گم شده گزارش دادگاه است.

مشکل زبان اناجیل

شاید ادعا شود که انجیل یوحنا به یونانی است نه عبری و برگرداندن آن به عبری می تواند معنی واقعی برخی عبارات را تغییر دهد. در پاسخ باید به دو نکته اشاره شود.

اول آن که مسیح علیه السلام به زبان یونانی تعلیم و تبلیغ نمی کرد، و اگر در مواردی احتمالاً به یونانی سخن گفته است، به خاطر ضرورت بود؛ مانند داستان افسر رومی که برای شفای خادم خود تقاضای کمک از مسیح علیه السلام را داشت و همین طور زن کنعانی که برای شفای دخترش از مسیح علیه السلام یاری می طلبید. (البته گفتگوی مستقیم مسیح با این دو فرد غیر یهودی در عهد جدید با شبهه بیان شده است.) مورد بعدی، هم چنان که اشاره شد، دادگاه مسیح علیه السلام توسط پیلاتس است که اگر صحت داشته باشد، به احتمال زیاد به زبان یونانی بوده است و عدم درک پیلاتس از معنی «احمد» نیز مبین آن است که مسیح علیه السلام دقیقاً همین کلمه را استفاده کرده بودند نه واژه یونانی *ἀληθείας* (الیتیاس). چرا که اگر چنین بود، پیلاتس دلیلی نداشت از معنای این واژه یونانی سوال کند.

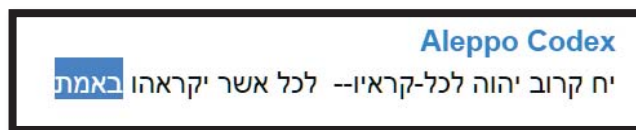
تأکید می شود که زبان مادری مسیح علیه السلام آرامی بود و زبان مذهبی او عبری؛ زمانی که مسیح مردم را تعلیم می دادند و تورات را قرائت می کردند، از زبان مذهبی یعنی عبری استفاده می کردند. لذا به احتمال بسیار قوی تعلیمات خودشان را نیز به زبان عبری انجام می دادند. البته دو زبان آرامی و عبری بسیار نزدیک به هم هستند اما از الفبای متفاوتی استفاده می کنند و در لهجه و طرز تلفظ برخی کلمات نیز اندکی تفاوت دارند.

دوم آن که اگر برگرداندن عبارات یونانی به عبری موجب تغییر آن می شود، همین قاعده در مورد برگرداندن سخنان عبری و آرامی مسیح به زبان یونانی نیز صدق می کند. اناجیل اربعه همگی این مشکل را دارند. برای همین ما دنبال معادل عبری عبارات مهم مانند *ἀληθείας* (الیتیاس) هستیم.

راستی در عهد عتیق

اگر واژه «راستی» را به زبان عبری برگردانیم، حقیقت شهادت مسیح علیه السلام نیز روشن خواهد شد. در عهد عتیق این واژه به کرات استفاده شده است. مثلاً در مزامیر ۱۴۵ : ۱۸ می خوانیم: «خداوند نزدیک است به آنانی که او را می خوانند، به آنانی که او را به راستی می خوانند». در کتاب مقدس عبری، واژه ای که به راستی ترجمه شده این است: *אמת*

تصویر زیر^۱ متن عبری این آیه در کدکس الپو را نشان می دهد. (کلمه *אמת* که هایلایت شده، همان «راستی» است و حرف اضافه *ב* (بت) در اول آن عین «ب» در عربی می باشد که معانی هم چون «به، توسط، از طریق ...» را می دهد.



1. https://archive.org/details/Aleppo_Codex, (Retrieved February 18, 2020)

واژه شناسی אמנת

لغت نامه‌های کتاب مقدس، آن را به صورت (eh'-meth) تلفظ و به صورت «حقیقت، راستی، مومن، ...» ترجمه کرده‌اند. در لغت‌نامه ناس آگراستيو تأکید بر «ایمان پایدار» نیز شده است. البته ما می‌دانیم که نتیجه ایمان پایدار «راستی، حقیقت، و عبادت پایدار» نیز می‌باشد. (تصویر لغت‌نامه در زیر)

Strong's Concordance

emeth: firmness, faithfulness, truth

Original Word: אֱמֶת

Part of Speech: noun feminine; adverb

Transliteration: emeth

Phonetic Spelling: (eh'-meth)

Definition: firmness, faithfulness, truth

NAS Exhaustive Concordance

Word Origin

from aman

Definition

firmness, faithfulness, truth

NASB Translation

faith (1), faithful (2), faithfully (6), faithfulness (10), lasting (1), nor* (1), right (1), true (18), truly (4), truth (80), truth that you may correctly (1), truthful (2).

دراسترونگز کونکوردنس می‌خوانیم که ریشه لغوی این کلمه אמנת (الف میم نون) است. البته در مباحث زبان‌شناسی تغییر حروف به خاطر عوض شدن حالت، نقش و موقعیت کلمه امری شناخته شده است. به طوری که در این مورد، حرف א (ن) تبدیل به ת (ت نرم) شده است.

بنابراین اگر می بینیم که אַמַּת (eh'-meth) از ریشه אַמַּן (aman) هست، مسئله عجیبی نیست. هم چنان که استرونگر اگزاستيو كنكوردانس می نویسد: (تصویر زیر)،

Strong's Exhaustive Concordance

assuredly, establishment, faithful, right, sure, true, verity

Contracted from 'aman; stability; (figuratively) certainty, truth, trustworthiness -- assured(-ly), establishment, faithful, right, sure, true (-ly, -th), verity.

معنای אַמַּן (aman) نیز «قابل اعتماد بودن» است که معادل عربی آن «امین» خواهد بود. بر کسی پوشیده نیست که حضرت محمد ﷺ حتی قبل از رسیدن به پیامبری به امین معروف بودند.

و بالاخره در تصویر زیر (براون-درایور-بریگز) می بینیم که هم معنای אַמַּן (aman) «قابل اعتماد بودن» است و هم قابل مقایسه با «امن» در عربی؛ که آن هم ریشه «امین» می باشد. هم چنان که تصویر نیز نشان می دهد، مطابق با این لغت نامه، אַמַּן (aman) اسم شخص در عربی سبایی^۱ است.

Brown-Driver-Briggs

I. [אַמַּן] verb confirm, support (compare Arabic اَمَّنَ, etc., see below; Sabean אַמַּן in derivatives & proper names compare CIS^{iv.1,10} DHMZMG 1885,598; Aramaic אַמַּן, אַמַּם in Haph`el, Ethiopic አምነ; Assyrian in derivatives) – only

۱. قوم سبا در جنوب عربستان ساکن بودن که ذکر این قوم در قرآن و کتاب مقدس آمده است. (مانند داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا)

تفاوت احمد و אמת (eh'-meth) در تلفظ

شاید برخی حرف آخر אמת (eh'-meth) را که ת (تاو) است به خاطر تفاوت آن با حرف آخر احمد (دال) مورد استناد قرار دهند و این را مطرح کنند که «الیتیاس» در انجیل یوحنا حتی اگر אמת (eh'-meth) بوده باشد، باز نمی توان آن را احمد به حساب آورد. در پاسخ به این مسئله باید چند نکته ذکر شود.

نخست آن که عبارت مورد استفاده مسیح عليه السلام مشابه אמת (eh'-meth) بوده است، نه عین آن. هم چنان که پیشتر توضیح داده شد اگر مسیح عليه السلام از این عبارت استفاده کرده باشند موضوع شهادت به אמת (eh'-meth) که در دادگاه پیلاطس ذکر شده است قابل درک نخواهد بود. سوالی که پیلاطس می کند (راستی چیست؟) نشان می دهد که این واژه برای پیلاطس بیگانه و نامفهوم بوده است؛ همان طور که در بخش مربوط به دادگاه پیلاطس توضیح داده شد، فرقی نمی کند که این دادگاه به چه زبانی صورت گرفته بوده، یونانی یا عبری؛ اگر کلمه مورد استفاده مسیح یونانی یا عبری می بود پیلاطس می توانست معنی آن را بفهمد.

براین اساس، متن چیزی شبیه به אמת (eh'-meth) بوده است که تعبیر یا تبدیل به آن شده و نهایتاً در متون یونانی و سپس سایر زبان ها به همان صورت ترجمه شده است.

دوم آن که احمد در برخی مناطق به صورت آحمت نیز تلفظ می شود؛ مانند ترکیه. نمونه آن آحمت داووت اغلو (Ahmet Davutoğlu) بیست و ششمین نخست وزیر ترکیه است. دقت کنید که هم در آحمت و



هم در داووت اوغلو (پسر داوود) بجای «د» (در احمد و داوود) از «ت» استفاده شده است.

سوم آن‌که در زبان‌های سامی تفاوت‌هایی در طرز تلفظ کلمات و طرز نوشتن آنها به وجود آمده است و البته در برخی موارد حتی یک کلمه در چند زبان سامی معانی کاملاً متفاوتی نیز پیدا کرده است که در مباحث زبان شناسی این امری بسیاری شناخته شده و عادی است؛ ما نمونه‌های زیادی از آن داریم. هم چنان که قبلاً نیز گفته شد، می‌توان «ییتضخک» (عبری) را با «اسحاق» (عربی) مقایسه کرد، و نیز «اِخْت» (عبری) را با «احد» (عربی)، و «یشوع» (عبری) با «عیسی» (عربی) و الی آخر. در تصویر روبرو (لغت نامه انگلیش من) واژه אֶחָת (اِخْت) را می‌بینید که به همان معنای «احد» در عربی است و به حرف ת (تاو) ختم شده است، درست مانند אַחַת (eh'-meth).^۱

אֶחָת e·hāt

Englishman's Concordance

e·hāt — 31 Occurrences

Genesis 11:1

HEB: וְדַבְּרִים אֶחָדִים: אֶחָת הָאָרֶץ שְׂפָה

NAS: used *the same* language

KJV: And the whole earth *was of one* language,

INT: earth language *the same* words and the same

پس شکی نیست که حضرت مسیح علیه السلام هم در یوحنا ۱۶ : ۱۳ و هم در گفتگوی شان با پپلاطس در یوحنا ۱۸ : ۳۷ از یک عبارت استفاده کرده اند که

۱. البته مونث بودن جنسیت אֶחָת (اِخْت) موجب تغییر حرف آخر آن به ת (تاو) شده است اما به خاطر معادل بودن آن با «احمد» مورد استفاده ما در استدلال واقع شده است.

شبيه به אמת (eh'-meth) می باشد. صد البته این شخص و کلمه برای پيلاطس نا آشنا بوده است.

در ادامه نشان داده خواهد شد که در کتاب مقدس «روح» برای پیامبران نیز استفاده شده است (مانند اول یوحنا ۴ : ۱ - ۳)؛ با در کنار هم قرار دادن این دو، معمای کیستانی و چیستانی «راستی» تا حدودی قابل حل خواهد بود. پیامبری که اسم او عبری نیست اما شبیه کلمه عبری אמת (eh'-meth) می باشد.

تعبیر مسیحیان

دوستان مسیحی می گویند که این جا «تسلی دهنده» همان روح القدس است که در پنطیکاست وارد شاگردان شد. این ادعا به چندین دلیل درست نیست؛ از جمله این که مسیح هر وقت که می خواستند می توانستند روح القدس را به شاگردان بفرستند (یوحنا ۲۰ : ۲۲) و روح القدس در زمان مسیح علیه السلام، و حتی قبل از مسیح علیه السلام نیز آمده بودند (لوقا ۱ : ۳۵، ۱ : ۴۱). بنابراین منظور مسیح نمی توانست روح القدس باشد. البته دلایل دیگری نیز وجود دارد که قبلا به آنها پرداختیم.

ممکن است برخی بگویند که در یوحنا ۲۶:۱۴ روح راستی همان روح القدس معرفی شده است. بنابراین، به ادعای آنها، خود انجیل یوحنا راز کیستانی روح راستی را حل کرده است.

در پاسخ باید گفت که یوحنا چهاردهم تناقضاتی دارد که نشان می دهد بعدا تغییر داده شده است. به این دو عبارت از یوحنا چهاردهم دقت کنید:

And I will ask the Father, and he will give you another advocate to help you and be with you forever—the Spirit of truth. The world cannot accept him, because it neither sees him nor knows him. But you know him, for he lives with you and will be¹ in you.

(۱۶) و من از پدر سوال می‌کنم و او تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا شما را یاری کند و همیشه با شما بماند، آن روح راستی. (۱۷) جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نه می‌بیند و نه می‌شناسد. اما شما او را می‌شناسید، زیرا که او با شما زندگی می‌کند در شما خواهد بود.^{۱۱}

عبارت ۱۶ می‌گوید که مسیح از خدا خواست تا یاری‌رسان را بفرستد، اما عبارت بعدی می‌گوید که «روح راستی که دنیا او را قبول نمی‌کند چون او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد، اما شاگردان، او را می‌شناسند زیرا که او با شاگردان است و با شاگردان زندگی می‌کند».

بررسی

چطور ممکن است که خدا کسی را برای هدایت مردم بفرستد، آن هم بعد از رفتن پیامبر، و هیچ کس نتواند این شخص را ببیند و بشناسند؟ چطور ممکن است که حواریون که با او زندگی می‌کنند، و در عین حال ادعا شده است که هنوز او نیامده است؟

عبارت ۱۷ در نسخه‌های قدیمی متفاوت می‌باشد که نشان دهنده دستکاری متن است؛ به طوری که حتی در برخی ورژن‌ها مانند NIV به آن اشاره شده است.^۲

۱. برخی متون قدیمی می‌گویند: «زیرا که او با شما زندگی می‌کند و درون شماست».

2. The Bible, New International Version, Footnote under verse 17



ما در یوحنا ۲۰: ۲۲ خواندیم که مسیح قبل از عروج به شاگردان دمید و روح القدس را بر آنها وارد کرد. اگر طبق یوحنا ۱۴: ۱۷ روح القدس در شاگردان بود، چه لزومی داشت که مسیح روح القدس را دوباره به آنها بفرستد؟!

اینها نشان دهنده تحریفاتی است که در سخنان مسیح علیه السلام انجام داده‌اند تا حقیقت پیام او را پنهان نگهدارند. البته این تنها جای ایراد در یوحنا ۱۴ نیست؛ عبارت ۲۶ نیز بوی تحریف می‌دهد که در زیر به آن می‌پردازیم.

۲۶ لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد.

بررسی

چطور ممکن است خدا روح القدس را به اسم مسیح علیه السلام بفرستد؟ یعنی مسیح علیه السلام بالاتر و مهم‌تر از خداست؟ کاملاً مشخص است که این اعمال نظر نویسنده یا نسخه بردار بر متن است.

ایراد بعدی در مورد این عبارت مشابه ایراد مورد قبلی است؛ اگر طبق عبارت ۱۷ روح القدس درون شاگردان بود، پس چه نیازی به ارسال مجدد آن است؟

اگر مسیح خود می‌توانست روح القدس را به آنها بفرستد (مطابق با یوحنا ۲۰: ۲۲)، چرا می‌گوید که خدا به اسم او این کار را خواهد کرد؟ در ادامه خصوصیات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را از زبان یوحنا بررسی خواهیم کرد و خواهیم دید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجد این خصوصیات است.

روح و پیامبر

در رساله اول یوحنا می‌خوانیم که پیامبری که شهادت بدهد حضرت عیسی علیه السلام همان مسیح علیه السلام مجسم شده است، او از طرف خداست.

۱ ای حبیبان، هر روح را قبول مکنید بلکه روح‌ها را بیازمایید که از خدا هستند یا نه. زیرا که انبیای کذب بسیار به جهان بیرون رفته‌اند. ۲ به این، روح خدا را می‌شناسیم: هر روحی که به عیسی مسیح مجسم شده اقرار نماید از خداست، ۳ و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست. و این است روح دجال که شنیده‌اید که او می‌آید و الآن هم در جهان است. اول یوحنا ۴ (ترجمه قدیم)

در این چند آیه، صحبت از انبیای راستین و انبیای کذب است که آنها را با روح حقیقی و روح دجال مقایسه کرده است. انبیای کذب آنهایی هستند که عیسی مسیح علیه السلام مجسم شده را انکار کنند و انبیای خدا آنهایی هستند که عیسی مسیح علیه السلام مجسم شده را قبول کنند.

در این سه آیه پیامبران و روح به موازات هم به کار رفته‌اند. روح راستین همان نبی راستین است و روح کذب همان نبی کذب. و لذا آیه یوحنا ۱۴ : ۲۶ نیز روح می‌تواند به معنای پیامبر باشد.

حال سوالی که پیش می‌آید این است که کدام نبی بعد از حضرت عیسی علیه السلام شهادت داده که عیسی همان مسیح است؟ قبل از این که پاسخ این سوال داده شود باید چند نکته را در مورد سه آیه فوق‌الذکر روشن کنیم.

تنها پیامبری که به مسیح بودن عیسی اذعان کرد کیست؟ در سه آیه مذکور، آمده که پیامبری که به مسیح بودن عیسی اذعان کند پیامبر خدا است در اینجا یک عبارت دقیقی هست که باید به آن دقت شود و آن این که فرمود به «مسیح مجسم شده» اذعان کند.

این واژه باید توضیح داده شود؛ ما می دانیم که کلمه مسیح ترجمه واژه عبری مشیخ است. منظور از مشیخ در فرهنگ و ادبیات یهود، فردی است که برای امری مهم انتخاب شده و طی مراسمی روغن بر سر و رویش مالیده شود. مثلا کسی که برای پادشاهی انتخاب می گردد با روغن مقدس او را مسح می کردند و لذا عنوان مسیح را به او می دادند. کتاب مقدس چندین نفر را به عنوان مسیح خوانده است مانند کورش پادشاه فارس^۱، و حضرت داود^۲. حضرت داود^۳ حتی به عنوان پادشاهی که از طرف خدا انتخاب گردیده بود خوانده شده است. و اما عبارت «مجسم شده» نیز با نگاهی به لغت نامه های کتاب مقدس به راحتی قابل درک خواهد بود.

عبارت «مجسم شده» ترجمه کلمه یونانی σαρκι (سارخی) است که لغت نامه هایی مانند استرونگز درمورد آن چنین می نویسد: گوشت، بدن، طبیعت انسانی، مادیت، و خویشاوند. (تصویر زیر)

Strong's Concordance

sarx: flesh

Original Word: σάρξ, σαρκός, ἡ

Part of Speech: Noun, Feminine

Transliteration: sarx

Phonetic Spelling: (sarx)

Definition: flesh

Usage: flesh, body, human nature, materiality; kindred.

۱. اشعیا ۴۵: ۱، عزرا ۱: ۲

۲. اول ساموئیل ۱۶ و دوم ساموئیل ۲

لغت نامه های دیگر مانند ناس اگزاستیو، معانی مشابه دیگری نیز به آن داده اند. مانند: «انسان، جسم و زمین.» (تصویر زیر) بنابراین این لغت بیشتر به معنی طبیعت انسانی، مادی، جسمی و زمینی می باشد.

NAS Exhaustive Concordance

Word Origin

a prim. word

Definition

flesh

NASB Translation

bodily (1), bodily condition (1), body (2), earth (1), earthly (1), fellow countrymen (1), flesh (129), fleshly (4), life (3), man (1), mankind (1), nation (1), personally (1).

پس شکی نیست که اول یوحنا ۴ : ۲ صحبت از عیسی مسیح علیه السلام انسان می کند.

نکاتی که تا اینجا روشن شده است:

۱. اگر یک نبی بگوید که عیسی مسیح مجسم شده (انسان) است، او از طرف خداست.

۲. اگر نگوید عیسی مسیح مجسم شده (انسان) است او دجال می باشد. آیه سوم را دوباره ملاحظه کنید:

۳ و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست. و این است روح دجال که شنیده‌اید که او می آید و الآن هم در جهان است.

۳. این دجال در زمان یوحنا در دنیا بود، زاده شده بود، زنده بود، با مردم بود، و حتی هم زمان با خود مسیح علیه السلام هم بود. به این عبارت دقت کنید: «و این است روح دجال که شنیده‌اید که او می‌آید و الآن هم در جهان است». ۴. در قرآن در آیه ۱۷۱ سوره نساء دقیقاً می‌فرماید حضرت عیسی علیه السلام فرستاده خدا، مسیح و انسان بود و می‌فرماید: ﴿المسیح عیسی ابن مریم رسول الله﴾ یعنی: عیسی مسیح پسر مریم رسول خداست. «پسر مریم» تأکید بر انسان بودن حضرت عیسی دارد. پس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به توسط وحی الهی هم مسیح بودن حضرت عیسی علیه السلام را تصدیق فرموده، هم این‌که می‌فرمایند ایشان انسان بودند و فرستاده خدا.

این دقیقاً اذعان به آن چیزی است که در اول یوحنا ۴: ۱-۳ بیان شده که هر پیامبری به آن اذعان کند از طرف خدا است. شاید مسیحیان بپرسند: چرا قرآن مسیح را رسول خدا خوانده نه پسر خدا یا خود خدا؟

جواب این سوال مستلزم بحثی طولانی می‌باشد. اما همین قدر گفته شود که خود مسیح نیز خودش را رسول خدا خوانده اند. به آیه زیر نگاه کنید:

هم چنان که مرا در جهان فرستادی، من نیز ایشان را در جهان فرستادم.

یوحنا ۱۷: ۱۸ (ترجمه قدیم)

حضرت مسیح شاگردان را فرستادگان خود می خواند، دقیقاً مشابه مقام فرستادگی خود از طرف خدا. هم چنان که شاگردان رسولان مسیح بودند، مسیح نیز رسول خدا بود. مسیح می فرماید که خدا او را به این دنیا فرستاد، یعنی مسیح فرستاده خدا یا رسول خدا بود. پس آنجا که قرآن می فرماید «عیسی مسیح پسر مریم رسول خدا»، دقیقاً همان است که یوحنا گفته است، «عیسی مسیح مجسم شده، و فرستاده شده از طرف خدا».

چند نکته بسیار مهم

۱. قرآن تنها کتاب آسمانی است که تنها حضرت عیسی علیه السلام را مسیح خوانده است. هیچ کتاب آسمانی حتی کتاب مقدس، عنوان مسیح را منحصرًا برای حضرت عیسی علیه السلام به کار نبرده است. در کتاب مقدس دیگران نیز مسیح خوانده شده اند^۱، در حالی که در قرآن فقط حضرت عیسی علیه السلام به عنوان مسیح خوانده شده است.

۲. قرآن هیچ کس را فرزند خدا نمی خواند، و حتی این کار را نهی می کند. چرا؟ چون خیلی ها تعبیر اشتباهی از آن می کنند. برخلاف یهودی ها که می دانستند منظور از پسر خدا فقط محبوب خدا، بنده خدا و مومن و مطیع خدا می باشد، اقوامی مانند مصری ها و یونانی ها فکر می کردند که خدا ازدواج می کند و بچه دار می شود، و لذا فرزندش را فرزند خدا می خواندند.

۱. اشعیا ۴۵ : ۱ می نویسد: «خداوند به مسیح خویش» یعنی به کورش که: دست راست او را گرفتیم تا به حضور وی امت ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه ها دیگر بسته نشود چنین می گوید.

بنی اسرائیل به خاطر تعامل طولانی مدت با مصریان، یونانیان و بابلیان، بسیاری از واژه ها و افکار آنها را در فرهنگ خود به کار گرفتند؛ در طول تاریخ بارها و بارها بت پرست شده و خدایان بت پرستان را پرستیدند. برای همین است که بازنویسان کتب مقدّس عبری، قادر به حذف کامل این واژه ها نبودند. فرهنگ فرزند خدا خواندن بزرگان قوم یهود از تمدن های مصر، بابل و یونان باستان وارد تفکرات یهودی و مسیحی شده است. ناگفته نماند که مسیحیان رومی، قبل از پذیرش مسیحیت، با این نوع نگرش به خوبی آشنا بودند و لذا پذیرش فرهنگ پسر خدا خواندن خود و رهبران خود برایشان بسیار سهل و حتی مورد پسند بود.

اختلاف تعبیر رهبران مسیحی از پسر خدا خواندن مسیح بسیار مشکل ساز بود که کنستانتین، اولین پادشاه رومی که مسیحیت را دین رسمی قلمرو خود اعلام کرد، در سال ۳۲۵ میلادی دستور به تشکیل شورای نیقیه برای حل اختلاف داد. گروهی از رهبران مسیحی پسر خدا بودن مسیح را به معنی محبوب خدا و بنده مطیع خدا می دانستند، اما عده ای آن را به معنی خود خدا می پنداشتند. طی یک رأی گیری میان ده ها اسقف، پسر خدا به معنی هم ذات خدا و برابر با خدا تصویب شد؛ البته اگر اعمال نفوذ حکومت بر رأی بزرگان مسیحی نبود، شاید صفحه تاریخ کلیسا طور دیگری ورق می خورد.

بنابراین واژه فرزند خدا در فرهنگ یهودیان بود و وارد کتاب مقدّس آنها و بعد کتاب مقدّس مسیحیان نیز گردید. اضافه شدن عبارت تنها پسر مولود خدا به انجیل یوحنا نیز ناشی از نفوذ عقاید بت پرستی در مسیحیت است. برای همین قرآن به شدت آن را نهی کرده است تا سوء تفاهمی پیش نیاید.

نامش امین و راستی است

در مکاشفه یوحنا که آخرین بخش کتاب مقدس است، چنین می خوانیم:
آنگاه آسمان را گشوده دیدم. اسب سفیدی در آنجا بود که نام سوارش
امین و راست بود او با عدالت داوری و جنگ می کند. (مکاشفه یوحنا ۱۹ : ۱۱)
در پایین متن یونانی را می بینید که دقیقا همان واژه الیتیاس برای اسم
این شخص آمده است.

Nestle Greek New Testament 1904

Καὶ εἶδον τὸν οὐρανὸν ἠνεωγμένον, καὶ ἰδοὺ ἵππος λευκός, καὶ
ὁ καθήμενος ἐπ’ αὐτὸν καλούμενος Πιστός καὶ Ἀληθινός, καὶ
ἐν δικαιοσύνῃ κρίνει καὶ πολεμεῖ.

فصل ۱۹ مکاشفه یوحنا از ظهور پادشاه پادشاهان در آینده خبر می دهد
که کلام اش آتشین خواهد بود و با شمشیر حکومت خواهد کرد (عبارت ۱۵)
در باره محتویات و تفاسیر مکاشفه یوحنا اختلاف نظر بسیار است و بحث آن
طولانی است اما آن چه مرتبط با موضوع ماست، عبارت یازدهم است که نام
او را امین و راست (الیتیاس) معرفی می کند. از این عبارت نکته بسیار جالبی
بدست می آید و آن این که امین و راست اسم این پادشاه است. البته شکی
نیست که امین از اسامی حضرت محمد (ص) بود. از سوی دیگر این عبارت
تایید کننده ادعای ماست که الیتاس (ترجمه شده به راستی) اسم شخص بود؛
همان پیامبری که مسیح در تعلیمات و در دادگاه پیلاتس بدان بشارت و
شهادت داده است.

نتیجه گیری

حضرت مسیح (ع) در جاهایی بشارت به آمدن فردی بعد از خود داده بودند که در انجیل یوحنا با دو عنوان «پاراکلیتوس» (تسلی دهنده) و «توئوماتیس الیتیاس» (آن روح راستی) از او یاد شده است. نظر به این که حضرت به زبان عبری تعلیم می دادند، می توان چنین ادعا نمود که این دو عنوان یونانی عین سخنان مسیح را نمی رسانند و لذا باید به طریقی آنها را به عبری بازگردانیم تا شاید معمای کیستانی آن را حل کنیم. با توجه به جنسیت مذکر پاراکلیتوس، و زمان ظهور آن (بعد از رفتن مسیح) می توان عدم دلالت آن بر روح القدس را با قاطعیت مطرح کرد. مضافاً در زبان عبری پاراکلیتوس معادل מְנַחֵם (mə-na-ḥă-mê) می باشد که نزدیکی زیادی به تلفظ محمد و احمد دارد. ناگفته نماند که در زبان یونانی واژه پریکلیتوس نیز وجود دارد که دقیقاً بمعنی محمد و احمد است.

عنوان دوم (الیتیاس) در دو داستان شهادت مسیح در دادگاه پیلاتس و نیز بشارتی که حضرت به شاگردان دادند، استفاده شده است و به خاطر یکی بودن واژه مورد استفاده توسط ایشان می توان به این نتیجه رسید که شخص مورد نظر در هر دو مورد یکی است. نظر به این که مسیح به زبان عبری برای شاگردان سخن می گفتند لازم است واژه یونانی به کار رفته توسط نویسندۀ یوحنا را با استفاده از کتاب مقدس عبری (تاناخ) به زبان عبری بازگرداند تا معمای کیستانی آن را تا حدودی حل نمود؛ با این کار به واژه عبری מְנַחֵם (eh'-meth) می رسیم. هر چند مسیحیان معتقدند که این شخص همان روح القدس است اما نظر به این که مسیح رفتن خود را شرط آمدن او ذکر کرده بود، و از آنجا که روح القدس در زمان مسیح و قبل از مسیح نیز حاضر و

همراه با مردم و پیامبران بوده است، و هم چنین به خاطر استفاده یوحنا از ضمیر شخصی مذکر برای این شخص، نتیجه می گیریم که او نمی تواند همان روح القدس باشد؛ چرا که روح القدس با پیامبران بنی اسرائیل، با مادر مسیح و مسیح بود و حضرت قبل از ترک شاگردان، روح القدس را به آنها داده بود؛ و جنسیت روح القدس نیز در زبان یونانی خنثی است نه مذکر. از طرف دیگر مکاشفه یوحنا ۱۹ : ۱۱ نیز آن را به عنوان اسم پادشاه موعود معرفی کرده است؛ که با اسب سفید می آید و نام دیگرش امین است.

در دلایل نسبت دادن شخص مورد بشارت و شهادت مسیح به پیامبر اسلام ﷺ، چند نکته را در این مقاله بررسی کردیم که به طور خلاصه می توان به این موارد اشاره کرد:

مشابهت **אמת** (eh'-meth) و احمد (هم از نظر آواشناسی، و هم در معنای واژه).

استفاده مسیح از یک کلمه غیر یونانی و غیر عبری برای این شخص. همراهی عنوان «روح» با **אמת** (eh'-meth) که پیامبر بودن آن را نیز می رساند چرا که یوحنا در جاهای دیگر نیز عنوان «روح» را برای پیامبران به کار برده است.

زمانی که روح راستی برای اولین بار توسط مسیح استفاده شد، بدون حرف اضافه معین ذکر گردید و این نشان دهنده عدم دلالت آن بر روح القدس است که برای حواریون شناخته شده بود.

ویژگی های خاص پیامبر اسلام که در یوحنا مشخص شده است؛ از جمله این که دقیقا مطابق با آن چه یوحنا به عنوان شرط قرار داده بود، حضرت محمد ﷺ تنها پیامبری است که این شرایط را دارا می باشد. مثلا

ایشان فقط حضرت عیسی علیه السلام را مسیح خواند و او را انسان و فرستاده خدا معرفی نمود، حال آن که در کتاب مقدس دیگران نیز مسیح خوانده شده اند، و مسیحیان نیز آنها را باور دارند. از سوی دیگر برخلاف اعتقادات اکثریت مسیحیان، که حضرت عیسی را «خداوند» می پندارند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله او را انسان معرفی می کنند. اینها دقیقا با شرایط پیامبر حقیقی که در یوحنا ذکر شده است مطابقت دارد.

مسئله مأموریت پیامبر بعد از مسیح نیز که در یوحنا ۱۶: ۱۳ توضیح داده شده است، مانند اعلام بی ایمانی مردم نسبت به مسیح، قضاوت نادرست در مورد مسیح، هدایت مردم به سوی تمام حقایق، و غیره بخوبی دلیل بر انسان بودن پیامبر موعود و کامل بودن دین او می باشد که هرگز در مسیحیت این مسئله مطرح نشده است.

از بارزترین نکات در مبحث ما مشابهت **אמת** (eh'-meth) و احمد است که با توجه به فاکتورهای دیگر ذکر شده برای **אמת** (eh'-meth) می توان دلالت آن بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را نتیجه گیری کرد؛ به ویژه این که **אמת** (eh'-meth) از ریشه **אמן** (aman) است که معادل اسم دیگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله یعنی امین می باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
 ۲. کتاب مقدس ترجمه های فارسی قدیم و شریف
 ۳. کتاب مقدس یونانی Byzantine/Majority Text
 ۴. کتاب مقدس یونانی 1904 Greek Orthodox Church
 ۵. کتاب مقدس یونانی 1904 Nestle Greek New Testament
 ۶. کتاب مقدس ماسوری
<https://www.mechon-mamre.org>
 ۷. کتاب مقدس الیو کدکس
https://archive.org/details/Aleppo_Codex
 ۸. کتاب مقدس ترجمه عربی Smith & Van Dyke
 ۹. فخر الاسلام، محمد صادق، انیس الاعلام؛ با تحقیقات و تعلیقاتی از سید عبدالرحیم خلخالی، انتشارات مرتضوی بی تا
1. The Fathers of the Church, Eusebius Pamphili, Ecclesiastical History, Books 1-5, translated by Roy J. Deferrari, The Catholic University Of America Press, Washington, DC
 2. Explanation of the Sayings of the Lord [cited by Eusebius in History of the Church]
 3. Aviya Kushner, "The Grammar of God: A Journey into the Words and Worlds of the Bible", Penguin Random House L.L.C., New York, 2015.
 4. <https://www.deadseascrolls.org.il/home>
 5. https://wmap.gsfc.nasa.gov/universe/bb_concepts.html
 6. <https://wol.jw.org/en/wol/d/r1/lp-e/1101989306>
 7. The Israelite Samaritan Version of the Torah: First English Translation edited by Benyamim Tsedaka, Sharon Sullivan, William B. Eerdmans Publishing Company, Grand Rapids / Cambridge, U.K
 8. Esmail Hemmati, "The Spirit of Truth, Bible the Herald of Quran", Toronto, 2017, ISBN 978-0-9959690-0-1

9. Dr. Thomas McElwain, "Shi'ite Beliefs in the Bible", The London Lectures (2001-2002)
10. <https://greeklexicon.org>
11. Strong's Concordance
12. Englishman's Concordance
13. HELPS Word-studies
14. <http://www.ibiblio.org/koine/greek/lessons/noun2dcl.html>
15. <https://www.septuagint.bible>
16. <https://www.mechon-mamre.org>
17. "My Galilee, My People", by John Wijngaards, Houssetop, 1990
18. J.M.GRINTZ, 'Hebrew as the spoken and written language in the last days of the second Temple', Journal of Biblical Literature 179 (1960)
19. Aramaic Literature in the Dead Sea Scrolls, by Dr. Andrew B. Perrin, Assistant Professor, Trinity Western University, article posted on:
<https://www.bibleodyssey.org/en/places/related-articles/aramaic-literature-in-the-dead-sea-scrolls>
20. Pocket Oxford Greek Dictionary, ISBN 0198645368, Oxford University Press Inc., New York, 1995